

In the name of Allah, the beneficent, the merciful

اصلاح سند مدیریت راهبردی نظام فرهنگی کشور

اصلاح کننده: محمود صانعی پور، خبره میان رشته ای و یادگیرنده مادام العمر

نکات اصولی و مبنائی که باید در اصلاح سند فوق لحاظ شود

1. بحث اول عدم تطبیق این سند با سند مادر " نقشه مهندسی فرهنگی نظام جمهوری اسلامی ایران - دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی سال 1392 " در نظر و عمل

نقشه مهندسی فرهنگی کشور را که بارها همراه با 100 اسناد بالادستی (lashkarbolouki.com/100docs) دیگر (که این مجموعه) تحت عنوان ام‌القرای جهان اسلام (https://fa.wikipedia.org/wiki/نظریه_ام_القروی) مطالعه نمودم، سندی جامع و استوار و منسجم در موضوع مهم مهندسی فرهنگی نظام به عنوان یک مبنائی ورودی سیستم کلی نظام یافتیم که زیر نظام های آن آنطور که بایست تدوین نشده است و از همه مهمتر به نرم ابزارها و سخت افزارهای مهندسی تجهیز نگردیده و آن بخش از زیر سیستم های مهندسی کشور به صورت ساختارهایی از قبیل سازمان تبلیغات اسلامی (به عنوان ناظر عالی در تدوین سند و فعالیت های این سازمان در مساجد، دروس حوزوی، پیوند حوزه با دانشگاه و غیره مشارکت داشتیم) و سایر دستگاهها، شبکه های اجتماعی و نهاد و سیستم های که تا کنون تشکیل شده اند از این سند در نظر و عمل به شایستگی تبعیت نکرده و حتی پارادوکس هایی در مسائل فرهنگی بصورت پاره فرهنگ های غیر ایجاد گردیده است، رویداد های ضد و نقیض سالهای اخیر به عنوان بازخورد های اخطارکننده از کل سیستم، به نحوی نبود که سیستم کل نظام وزیر سیستم های آن بموقع حس کرده و نسبت به اصلاح داده های ورودی، اصلاح فرایندها و نتایج کارکرد نظام تحلیل صحیح و بموقع داشته باشد و از نظر این یادگیرنده مادام العمر بخش عمده ای از این نارسائی به موضوع فرهنگی کشور و یا بمواردی که قرارگاه و دیده بان رفتاری مردم به لحاظ مداخلات رسمی و قانونی که نقشه مهندسی فرهنگی کشور تصریح دارد، قصور داشته است که نشان دهنده اینست که مدیریت راهبردی مهندسی فرهنگی نظام از جهات مختلف نظری و عملی داری نقصان عیدیه است، لیکن در این سالها، با نظارت عامه مردم، اندیشمندان اسلامی و عقلای کشور بارها نکات و نشانه هایی از آن چالش های به لحاظ فرهنگی تذکر داده شد و هنوز هم پس از طی سالها از انقلاب اسلامی میگذرد، آن هویت و ماهیت مهندسی شدن نظام فرهنگی (بلکه خود انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی ایران) بطور مطلوب و موثر که از این جهت الگو بگیرد و نقش موثر خود را در زمینه سازی لازم، متن و محتوا و ایجاد گفتگمانی قریب به مضامین برجسته نقشه مهندسی فرهنگی نظام ایفاء نماید، جزء در موارد تکوینی و وحیانی (که توضیح بیشتری خواهم داد) میسر نگردید و به فرمان تاریخی امام امت (رحمته الله علیه) که فرمود: "اگر انحرافی در فرهنگ يك کشور پیدا شود، دیري نخواهد گذشت يك فرهنگ منحرف فرهنگی بر همه غلبه میکند و همه را، خواهی خواهی به انحراف میکشاند." (صحیفه نور، ج 17، ص 32) ". بطور شایسته و همه جانبه لیبیک مقتضی داده نشد.

2. عدم تشکیل یک گفتمان اسلامی - ایرانی مسلط در اجرای همه جانبه مهندسی فرهنگی نظام

هر جریان تابناک (نهفته بدان گوهر تابناک، رسانید و حی از خداوند پاک-نظامی) و جوهر مراد (همان هویت و بارقه های وجود که ماهیت خود را از این هستی و مفهوم بودن و شدن مایه میگیرد) و مبنائی آن از اصول جهان

شمول سرچشمه گرفته و نیازمند گفتمانی مربوط ، در خور ، جذاب ، با قابلیت تسری و تعمیم بوده که پیرامون آن از اواسط قرن نوزدهم تا کنون ، تحت عنوان هرمنوتیک منطقی و بیان مسلط اجتماعی ، بحث های مبسوطی انجام گرفته (About 1,930,000 results) که این یاد گیرنده مادام العمر این گوهرگرانها را که میراث فرهنگی جهان معاصر و عامل مهم و بنیادین و موثر در ایجاد و ایجاد یک طرح جهانی است، آنها را مطالعه نموده تا زمینه لازم برای فهم ، تفهیم و گفتار جامعه شود و دلالت کند به ظاهر کلام متکلم که همان مراد فرهنگ مطلوب جامعه است و گرنه توهم است، از ذهنیات تهی، خیالاتی که هرکس خود بافنده آنست ، نه حقیقت دارد و نه واقعیت ندارد ، گفتاری روش مند نیست نه در نظر و نه در عمل از طراحی گرفته تا انجام پروژهای مربوط به آن مطلوب ها و در کلیه سطوح ملی و بین المللی که با حیثیت و وجدان کاری ما ملازمه دارد **واز آنجا که این سند تابعی از سند مادر بوده و باید در همه جهات با آن شباهت ماهیتی و ساختاری داشته باشد** (سخنی جامع در فراکتالیسم و هبریدی نظام) ، از آموزه های دانش مفید که از سراسر جهان و بویژه قرآن کریم ، روایات که در سه مبانی اصولی تکوین ، تشریح و ابداع جمع آوری نمودم و بوسیله اینجانب تکمیل ، چپستی شناسی شده ، به دکترینال سیاسی و مدیریتی نظام مرتبط شده و در این راستا و به مفردات و مداخل ، طبقه بندی ، جدول بندی و خوشه بندی شده است و مبنای مستحکم و جهان شمولی برای این گفتمان علمی و فنی و عملیات منظور آن بدست آمده است و میتواند مهندسی نظام را از صدر تا ذیل در همه بخش ها و زیر بخش ها به عهده بگیرد بطوریکه منظور امام امت (ره) برحسب تحلیل گفتمانی دیدگاه های این بنیان گذار کبیر) ، (About 29,300 results) از یک گفتمان منسجم و جهان شمول مستفاد میگردد (ص 28 سند مادر) و بصورت الگوی جهانی تدوین و نشر گردد، که به فرموده بنیان گذار انقلاب اسلامی **فرهنگ مبدأ همه خوشبختیها و بدبختیهای ملت است (1356 / 10 / 27 - صحیفه نور، ج 3 ، ص 306) .**

هرمنوتیک دانش مفید ، دانشی است برای فهمیدن عمیق و اینکه بفهمیم آنچه در هویت و ماهیت معنا و مفهوم و ظاهر و باطن است ، چگونه درک میشود ، چگونه به ایده تبدیل شده و طرح کسب و کار پیدا میکند و از طریق ابداع و نوآوری توسط نوآوران و آغاز گران تبدیل به محصول شده و برای استفاده همان هویت و ماهیت معنا، چگونه بیرونی شده و متبلور میگردد، یعنی چیزی که در فهم و اداراک عموم مستفاد میشود از عدل و داد و استفاده عموم مردم از علوم و فناوری به زبان گفتمانی جامعه بیان شود و فقط خاص فیلسوفان ، اعضای علمی و فناوری نباشد و متونی مفخرانه برای کنفرانس ها و اجلاسها جدا از مردم نگردد ، به اصطلاحات کلیدی برای عموم مهیا سازیم ، گرایش گفتمان جامعه و فرهنگی که باید با آن سخن بگوئیم موجب گردد ، کنفرانس ملی و جهانی داشته باشیم و قابل فهم داخلی و خارجی باشد و نظیر دهک های درآمدی یک فاصله ظالمانه نداشته باشد و در علم و توسعه که باید همین مردم به آنها عمل کنند، این فاصله ها ایجاد نشود و به فرهنگی تبدیل شود که خاصیت آموزشی دانش لازم و فنی و حرفه باشد ، نه اینکه فاصله گفتمانی آن از ثری تا ثریا گردد ، همیطور که اخیراً گفتند مهندس باید خود کارگر باشد و استاد خود با شاگرد در یک سکوی عمل هم کلام و هم رزم شوند ، نه اینکه یکی بنویسد و یکی دیگر مدلی بسازد و در عالم ریاضیات و تئوری ها ، افلاک را در هم نوردد ولی مواد اولیه داروسازی کشور از خارج وارد شود و قطعات بخش تکنولوژیک و گرانها کشور بعد از چهل سال هنوز وارداتی باشد و نهایتاً اینکه ، مهندس و کارگر ایرانی ، مونتاژ کاری کند بنابراین هراندیشمند و مبدعی که ادبیاتی خلق میکند چه بگوید و چه نکوید برای بیان آن در متن و گفتار ، هرمنوتیکی دارد که اهل کلیسا به هرمنوتیک قدسی تلقی کردند ، بعضیها به آن اصول فقه گفتند ، بعضی به معنی تفسیر، بعضی دیگر روش سخن و گفتمان ، بعضی هرمنوتیک رابه منزله مجموع قواعدی روش مند و روش آموز و غیره و من آنرا برای به مقاصد

توسعه پایدار به فهم ، روش ، تبیین ، مفروضات ، واز این قبیل که هم مواد و آموزه های فرهنگی است و هم مواد اقتصاد، سیاست ، اموراجتماعی و غیره و همه اینها اینک در این مجموعه همگرا گرد آمده است، یک موضوع و روشی است برای جزئی کردن موضوع و تعمیم آن به فهم همگانی و دستورالعمل های اجرایی تا مرحله ایجاد سکوهای عمل و پروژه های مورد نیاز در توسعه پایدار که این سکوهای عمل در امور اقتصادی ، سیاسی ، اجتماعی و فرهنگی ، شیوه های تبدیل به داکترین ها ، راهبرد ها و تفکر سیستمی نظام کلی کشور را به ابزار ها و وزیر سیستم های لازم در کلیه زیر نظام کلی به زمینه های عملی و محتوا و متون علمی و فناورانه تبدیل کند و در این راستا ، گفتمان حقیقی مبتنی بر اصول و فروع آرمان های به حق مردم را به زبان مردمی تدوین کرده تا مردم که زمینه اصلی و زمینه ساز خط مقدم زمینه های توسعه هستند ، بصیرت لازم را در دریافت معنا و مفهوم از علم و فناوری پیدا کرده و در گفتاری تقریب به یک دیگر در زبانشناسی دولت و ملت نهادینه شده واز این طریق از نشانه های گوناگون درک عمیقی از صحت و سقم جریانات و پدیده ها پیدا نمایند و رفتار قریب بهم و نشان از همگرایی رفتاری در عمل است از خود نشان دهند و در این مسیر قادر به ابداع و نوآوری شده و قدرت ابتکار عمل برای طراحی قطعات پازل های فرهنگی ، سیاسی و اقتصادی و فناوری داشته و هنرمندانه نقش آفرینی کنند ، بطوریکه این فعالیت ها فکری ، علمی و عملی ، قابلیت اندازی گیری داشته و در جزئیات مربوطه که در هماهنگی با کل نظام همگرا باشد و توانائی روش مندی پیدا کنند و یافته خود را به استاندارد فیزیکی و معنوی تبدیل نموده و مسیر تلاش خود را بر حسب مطالعات تطبیقی و ارزیابی جهان شمول که موارد عمده آن انجام گرفته است ، در متن ، ماهیت و شاکله جامعه و زندگی خود متبلور سازد، **اینست مهندسی فرهنگ ، یعنی یک مجموعه ناشی شده از علیت تراکمی صدها قانون و قاعده در زنجیره ها و خوشه های تعاونی و با سهام داری از جنس عدالت و ویژگی های عدالت توزیعی برای همگان که بر حسب تکلیف- حقوق - توفیق تعریف میشود ، توسط مردم انجام شود و نه با سیستم عادی اداری و نه رهاشدگی اصول و بنیان های توسعه پایدار ، با تاکید به اینکه همه این اقدامات را مردم انجام میدهند نه فقط در دفاع و یا بحران های غیر مترقبه و مفهوم فرهنگ و مهندسی فرهنگ و انجام آن توسط مردم فرهنگی شود ، با مردم بوده و دولت باید بدنبال این حرکت مردم سالاری ، طرح و برنامه داده و از خود مردم برای ارزیابی ، نظارت و بازرسی و مشارکت های همه جانبه در کلیه سکوهای عمل استفاده کند و نتایج بصورت توسعه پایدار ، فناوری برتر ، اطلاعاتی دقیق یقینی و معتبر ، ارتباطی در خور فرهنگ و ادبیات فرهنگ اسلامی- ایرانی در عین حال جهان شمول و جذاب و.....**

3. آیا حقیقتاً این سند از جنس مدیریتی است و همه ادبیات و احکام فرهنگی از این قرارگاه با دیسپلین های مدیریتی صادر و انجام میشود

امور مدیریتی سند مدیریت مهندسی فرهنگ ، فقط از نوع سیاست گذاری نیست در صفحات 90 و 91 این سند (که ظاهراً نشر هم شده است - انتشارات آثار فکری 1397)، بلکه الگویی برای مدیریت راهبردی نظام فرهنگی کشور منظور شده است که نقش سیاست گذاری برای متعادل کردن فعالیت های فرهنگی دستگاه های نظام را به عهده دارد و نقش عوامل اصلی و محور ها و انضباط های مدیریتی از قبیل طرح ریزی ، برنامه ریزی ، آموزش ، تربیت کادر اداری هماهنگ با کل نقشه مهندسی نظام و سایر شقوقی که

در مدیریت جامع (About 11,900,000 results) مهندسی هماهنگ همه دستگاه نهادی های مردمی و گروه ها و شبکه های اجتماعی الزام دارد ، مداخله کرده ، و از نظر راهبردی نقش آفرینی نموده و از این قرارگاه دیدبانی و ارزیابی رسمی و متعهد تجزیه و تحلیل شده و نسبت به اصلاح زیر سیستم های فرهنگی نظام بموقع اقدام قانونی به عمل آورد.

حقیقت این است که متأسفانه بیشتر سازمان های ایرانی بدون توجه به زیرساخت های پیاده سازی و عدم آشنایی با ویژگی ها و خروجی های اصلی مورد انتظار در اصول و فروع مدیریتی و استفاده از مدل اعلامی و ضروری که این بخش از مهندسی فرهنگی می بایست الزام می نمود ، قیام کند ، مدل های مدیریت عملکرد به طور کلی به دو دسته مدل های مبتنی بر مفهوم مدیریت استراتژیک و مدل های مبتنی بر مفهوم مدیریت کیفیت فراگیر، تجزیه و تحلیل های مدیریتی ، آموزش ها ، پایش ها ، رویش ها ، ریزش های ، سلب و ایجاب ها ، اصلاح منابع انسانی ، نهادهای مردمی و سازمان های دولتی و عمومی و صدها اقدام دیگر مدیریتی بوده ، می بایست تقسیم و طبقه بندی میگردید.

دیگر مدل های تعالی سازمانی نظیر مدل های تعالی منابع انسانی، مدل های توانمندساز کارکنان و غیره نیز بر پایه مدیریت توسعه فراگیر و براساس چرخه پیشرفت نظام فرهنگی کشور پایه ریزی میشود که تمامی این دقایق الزامی میبایست در سند مدیریت راهبری ضبط و ربط شده و معیارهای دانش بنیان و عملی آن مشخص و الزام میگردید و مسیر مدیریت مهندسی فرهنگی را قاعده مند نموده ، و برای صادرات فراورده ای جذاب و حلال انقلاب اسلامی فراهم میساخت که بسیاری از این فراورده ها هنوز در جهان کنونی استفاده نمی شود و منوط نمودن به همین الگوی مدیریت استراتژیک در این امر مهم است که ماهیت ارزیابی کنندگی دارد و بیشتر برای خودارزیابی و سنجش نقاط قوت و ضعف درونی کشور و فرصت ها و تهدید های خارجی (به کتاب SWOT ایران از این یادگیرنده مراجعه شود) بوده ، و در این راستا از این مدل های دانش مفید استفاده شده و براین اساس تشویق و تیبیهات ، جذب و دفع انجام میگرفت .

جوایزی که بابت مدل های تعالی سازمانی یا کتاب نویسی ، مطالب تحریری ، دانش نامه ها ، رونمایی ها ، کنفرانس ها و بسیاری دیگر از تشویق ها و تقدیر ها که بسیار در کشور ما باب شده است ، در حقیقت باید در راستای نتایج موثر و ملموس و رضایت عامه مردم مقدر میگردید و چون این گونه اسناد در این خواص دهی و غنی سازی از بسیاری از جهات تهی و خنثی بوده و محرکی قوی و انگیزشی مفید و موثر در برنداشته است ، عده ای که در حلقه های این تحریرها و رونمایی ها بودند به خودشان نمره دادند و کارت های امتیاز دریافت کردند (خبرنگار از آقای زنگنه ، وزیر محترم وزارت نفت سوال کرد ، چرا در پژوهشکده نفت را بستی ؟، پاسخ داد اولاً پژوهشکده نبود یک آزمایشگاه تحقیقاتی بود ، آنرا به پژوهشکده ای تبدیل کردند که به خودشان دکترا بدهند!) و وضعیت کنونی دیگر سازمان های اداری ، آموزشی تجاری صنعتی و غیره بهتر از این نیست ، این تصویر روشنی است برای هر اندیشمند حق و حقیقت بین که سوال میکند قرارگاه دیدبان فرهنگی کشور کجا بود و چه کرد؟ ، مدل های مدیریت استراتژیک عموماً، و خصوصاً در مواردی که بیان گذار کبیر انقلاب اسلامی و رهبر معظم انقلاب در پیام ها ، شعار سالانه و نشست ها و بازدید های و توصیه های فراوان متذکر شدند ، به چه میزان در نظر

و عمل ، آئین نامه های اجرائی و نظارت های همه جانبه انجام گرفت و درچه سندی ماهیت آینده‌نگری با خواسته های بحق بنیان گذاران مطابقت داشت و اگر مطابقت داشت در اسناد زیرین آن تا مرحله دستورالعمل و نظارت ها ، چقدر و به میزان رعایت گردید و برای رسیدن کشور به آینده‌ای ایده‌آل در قالب توصیف چشم‌انداز و اهداف و آرمان های خود مقید کرده بود عمل گردید.

هر سازمان بر اساس زیرساخت‌های مدیریتی خود، دانش و فرهنگ سازمانی، جایگاهش در چرخه عمر سازمان و به طور کلی، در کلیه ابعاد محتوایی و ساختاری سازمانها و نهادها باید در مورد استفاده از مدل‌های مدیریت عملکرد تصمیم‌گیری اقدام کند، باید ارزیابی کنیم کدام دستگاه و کدام انجمن و غیره با این الگو سازگار و احکام مدیریتی آنرا پیاده سازی کرده و انجام داده است و برای دیگر واحد ها الگو شده و سرآمدی پیدا کرده و ارزش افزوده مصرح در نقشه مهندسی فرهنگی کشور را از طریق همگرایی و هم افزایی با مدل های پیشنهاد شده در این سند بدست آورده است و آهنگ و نوای شورای عالی فرهنگی در این نوع مدیریت راهبردی چقدر از فضای فعالیت و نفوذ ، سهم زمان در رسانه ها در برگرفته و از مهمتر چقدر این گفتمان علمی و فنی در محاوره مردمی و کارخانجات و محیط های کسب و کار جاری و ساری شده است، **اینکه امروز چنین پایش راهبردی در شبکه های اجتماعی ، دستگاه های مدیریتی و جای و جای این کشور سیطره مدیریتی ندارد ، حاکی از عدم طرح ریزی و برنامه‌ریزی راهبردی است که استاد ازل در سند تکوینی خود گفته و امام خمینی (ره) در نگاه تکوینی خود پایه گذاری کرده ، بطوریکه دیگر نیازی نیست به مدل های ینگه دنیا متکی باشیم .** اگر این قرارگاه اقدامی و دیده بانی امروز مدعی نباشد ، فردا مدعی دیگر پیدا شده و همانطور که از فرهنگ اسلامی جامعه ایرانی – اسلامی مطالبه میکند ، تصمیمات آنرا را برای بر پائی مهندسی فرهنگی نادرست و غیر مدیریتی اعلام میدارد.

3.1. آیا سند مدیریت راهبردی مهندسی فرهنگی ، راهبردی است.

اگر کسی که دانش و تجربه لازم در این باب داشته باشد، این سند را راهبردی محسوب نمیکند؟ این یادگیرنده که ده ها مقاله مورد اصول و فروع مدیریت استراتژیک نوشته و سوات ایران رقم زه و بالغ بر 30 سازمان بزرگ دولتی و خصوصی را با برنامه استراتژیک توسعه داده است، از من در مورد این سند سوال کنند ، پاسخ من منفی است و نشر آنرا به مصلحت نمیدانم و علاوه بر اینکه اصلاح آنرا واجب دانسته ، توصیه موکد دارم که اسناد بالادستی کشور بایستی بر اساس یافته های امروز ما از انقلاب و لزوم رفتار کردن فعالیت های انقلابی که در مقالاتم مکرر آورده ام، تا بدین وسیله جبران مافات شود ،(در اصلی ترین وظیفه و مأموریت مدیریت راهبردی کشور و مدیریت راهبردی نظام فرهنگی ، تأمین جامعیت و تعادل در فعالیت های کشور ، بصورت عام و در فعالیتهای فرهنگی ، کشور، بصورت خاص است . برای انجام چنین وظیفه و مأموریتی حساس لازم است، هدفگذاری و سیاستگذاری و ارزیابی بازده انجام شود. سیاستها، تعیین شده آنگاه با توجه به قوتها و ضعفهای محیط درونی و محیط ملی و سازمانی و فرصتها و تهدیدات محیط بیرونی، محیط فراملی ، راهبردهای لازم بدست می آید . بر اساس این راهبردها باید سازماندهی و تأمین منابع و امکانات صورت گرفته و با بکارگیری آنها بتوان به اهداف دست یافت. صفحه 121 سند نقشه مهندسی فرهنگی کشور.)

ابتدا بر اساس چشم‌انداز مدون که حاکی از دکترین نظام کلی است، مقاصد استراتژیک و اهداف کلان مشخص می‌شوند و با استفاده از ابزارهای تدوین استراتژی نظیر ماتریس‌های عوامل داخلی و خارجی و SWOT و استراتژی نفوذ و توسعه پایدار، به استراتژی‌های مدیریت راهبردی مهندسی فرهنگی پرداخت ، پس از آن، می‌توان با مدل هائی که در تدوین چشم‌انداز و استراتژی‌ها برای عملیاتی شدن داریم یا بر حسب مقتضیات امروز کشور ابداع خواهیم کرد، به تدوین عناصر مدیریت به اهداف استراتژیک، اهداف کمی و معیارهای لازم عمل و نظارت غیره نائل شویم و در قالب همین مضامین استراتژیک به تهیه ماتریس‌های مزیت نسبی و داده و ستانده‌های فرهنگی جامه عمل بپوشانیم در تمام این مراحل از قواعد دانش مفید بهره گرفته و داده‌های حقیقی و یقینی بجای داده‌های غیر حقیقی و بی اعتبار را بکار بگیریم ، سپس به اولویت‌بندی پروژه‌های بهبود پرداخته و سکوهای عمل و گروه‌های کار تعیین شوند، به عبارتی دیگر، با رویکرد مدیریت استراتژیک، به پروژه‌های بهبود بپردازیم، به این معنی که پروژه‌هایی در اولویت قرار می‌گیرند که استراتژیک باشند و موجب تحقق آرمان و اهداف فرهنگی نظام باشند و موجب توسعه پایدار در گفتمان مسلط جامعه و فعالیت‌های همگرا و هم افزا در همه زمینه‌ها شود و بر همین اساس نیز به آنها منبع اختصاص داده می‌شود و لزومی ندارد سازمان هزینه و زمان خود را صرف پروژه‌های بهبودی بکند که خروجی آنها برای نظام فرهنگی ملموس نیست و موجب پیشرفت استراتژیک نظام نمی‌شوند، بر این اساس فرآیندهای کلیدی سازمان‌های تابعه که ستون‌های اصلی اجرای مدیریت راهبردی مهندسی فرهنگی هستند در این مرحله شناسایی و بهبود داده می‌شوند، برای اجرای این فرایندها و اخذ تعهدات لازم رعایت قاعده " تکلیف- حقوق _ توفیق " اجتناب ناپذیر است.

امور باید جهادی ، بسیجی و انقلابی با رعایت قواعدی که در مجموعه دانش مفید است انجام شود و همه مکلفان باید بسیج شوند و محور امور قرار بگیرند و با همسو کردن اهداف سازمانی شان بب اهداف استراتژیک و کیفی کردن و کمی کردن آن بپردازند و خروجی نشان دهند و بر اساس تجزیه و تحلیل پارادایم‌های محیطی و چالش‌های موجود و دغدغه‌های و مطالبات رهبری و ملت ، از صحت پایداری استراتژی‌های واحد‌های خود اطمینان حاصل نمایند و بر اساس مقتضیات زمانی استراتژی‌ها به روز آوری می‌شوند. فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا (آیه 5 سوره شرح)، یعنی: پس (بدان که به لطف خدا) با هر سختی البته آسانی هست و وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى (۳۹) وَأَنَّ سَعْيَهُ سَوْفَ يُرَى (۴۰) (سوره‌الانجم، آیات 39 و 40) یعنی: و اینکه برای انسان جز حاصل تلاش او نیست و [نتیجه] کوشش او به زودی دیده خواهد شد، وَ الَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ (سوره عنکبوت آیه 69) یعنی: و کسانی که در راه ما (با نفس خود و دشمن ما) جهاد کردند به یقین آنها را به راه‌های (وصول به مقام قرب) خود راهنمایی می‌کنیم ، و همانا خداوند با نیکوکاران است، فرضیه خود بدانند و نیز بدانند که توفیق فقط از جانب خداوند متعال است ، چه بسا کسانی سعی بی اجر بردند و برای مساعی خود که متکی بر الطاف الهی و تقوا نبود ، رنج بی شمار ، و این ادبیات باید شعار شود در کنفرانس ، گردهمائی ، تظاهرات و جمعیت گفته شود بطوریکه تفکر بر خیال بافی غلبه کند و شبانگاه فکر چاره کنند و سحر گاه از خداوند راه و چاره الهام بگیرند که فرمود: و فإلهما فجورها و تقویها) یعنی :و خیر و شر آن را به او الهام کرده میشود (سوره شمس آیه 91) و فردایش ایده ساز و مبتکر گردند و از زندگی لذت وافر ببرند و نیز جبران مافات شود.

۱. لزوم نگاه جامع به موضوعات با لحاظ قاعده "علیت تراکمی"

جامع‌نگری و بعضی اعضاء و جزئیات را از مجموعه همگرا و متعادل کننده کنارنگذاشتن و اثر همه عوامل موثر را در طراحی یک مجموعه دیدن، تجزیه و تحلیل‌های عمیق و وسیع انجام دادن از هنرهای خبره میان رشته است و از عهده تخصص تک‌ساختی ساخته نیست و اینکه چرا اسناد بالادستی دارای نقصان بوده و یا به اجراء نزدیک نشده و بجای استفاده بهینه از آنها، به قفسه‌های بایگانی سپرده شده است، یک علت ندارد، صدها علت دارد که یکی از آنها نکته فوق‌الذکر است، تاریخ پر تلاطمی بر علم و فناوری گذشت و سیطره‌های روش‌های پوپری و کارنابی و بطور کلی اصحاب پوزیتیویسم (Positivism) با روش‌های حسّی-ابطالی (False-orientation - Sensory) همان بلایی بر طبیعت مظلوم، اکوسیستم‌ها، محیط زیست، لایه اوزون، خشک‌سالی‌ها، فقر جهانی و غیره آوردند که امروز ما به مشکلات و بحران‌های ناشی از آن گرفتار شدیم، و قدر ارزش علت و معلول را که توسط این مکتب شوم کنار گذاشته شد، ندانسته و علوم و فنون از شیوه‌های محروم گردید.

1.1. چرخه علیت تراکمی

گونار میردال (Gunnar Myrdal) که از پیشگامان توسعه پایدار بود نظیر اندیشمندان دیگر نظیر لردبائر (Lord Bauer) و شومپتر (Schumpeter) و غیره، هم به ناکارآمدی فرضیه‌های اقتصادکلاسیک و نئوکلاسیک تاختند (چنانکه در مقاله 285 از این یادگیرنده تصمیمات اقتصادی دولت را در بسیاری از موارد به همین دلیل ناکارآمدانم) و توصیه‌های کارسازی را برای طرح فرضیه‌های نوین و مقتضی برای زمان و مکان‌های مورد بحث در طراحی و برنامه‌ریزی طرح‌های آمایش و توسعه کشور بطور نظری و عملی ارائه دادند، یکی از این توصیه‌ها موثر استفاده از مدل‌های چرخه علیت تراکمی (Circle of cumulative causation) از سوی میردال بود که در ارائه این مدل‌ها حدود 30 دکتر از آکادمی‌های معتبر جهانی بوی اعطاء گردید (این یادگیرنده در طرح‌ها، مقالات و ارائه راه‌حل‌های مقتضی، بطور تفصیلی از این مبانی و قواعد آن یاد کرده که به عنوان نمونه در پنج طرح اولیه آمایش سرزمین ایران بصورت پاور پینت، آورده ام) و در اینجا بمناسبت اصلاح سند مدیریت راهبردی مهندسی فرهنگی، اشاراتی به آن می‌کنم.

میردال در مقوله نظری، به‌جای مسئله تعادل، از تجزیه و تحلیل "علیت تراکمی" استفاده می‌کرد و با کاربرد این نظریه در امور سیاستی به حل فقر و ایجاد بهبود زندگی فقرا اهتمام ورزید. تجزیه و تحلیل علیت تراکمی، ابتدا توسط ویکسل مطرح شد؛ اما میردال آنرا توسعه داد و اهمیت آنرا نشان داد. در این فرآیند، متغیرهای A و B روی همدیگر اثر می‌گذارند و این روند به‌صورت زنجیره‌ای ادامه می‌یابد. در نتیجه، دیگر، نقطه تعادلی وجود ندارد. میردال این تجزیه و تحلیل را در سال 1975، در تحلیل مربوط به توسعه اقتصادی و در رفع فقر مورد استفاده قرار داد، به اعتقاد میردال، مفهوم علیت تراکمی یک وسیله مؤثر برای تحلیل واقع‌بینانه (حقیقی) از تحولات اجتماعی و در نتیجه گوشه‌ای از تئوری عمومی کم‌رشدی و رشدیافتگی است. مثلاً آدم فقیر در معرض این خطر است که از تغذیه کافی برخوردار نباشد، در عین حال، کم‌غذایی او را در معرض ابتلا به بیماری قرار می‌دهد. از سوی دیگر، ضعف جسمانی، قدرت کار فرد را پایین می‌آورد و این امر، برای فرد یعنی نداشتن قدرت انجام کار؛

یعنی نداشتن وسیله تحصیل غذا و ... و این یعنی باقی ماندن در فقر، فقر پایدار یعنی زنجیره ای از علل اجتماعی که جامعه ای ناتوان نگه میدارد، و این قاعده علت و معلول است که دلیلی آشکار برای رد اثبات گرائی ویا پوزیتیسم است. www.paya69.blogfa.com/... آشنایی-با-تنوری-های-توسعه-(بخش-هف..

1.2. نظریه ی فرهنگی بر اساس علیت تراکمی

فقر ریشه در نظام های اقتصادی و فرهنگی دارد، این نظریه ریشه فقر را در "فرهنگ فقر" جستجویی کند، براساس نظریه پردازان این گروه، فقر از طریق انتقال مجموعه ای از باورها، ارزش ها، هنجارها و مهارت هایی که از یک نسل به نسل های بعدی منتقل می شوند بوجود می آید. افراد مسئول فقر خود نیستند بلکه آنها قربانیان فقر هستند که تحت تاثیر شرایط بد خرده فرهنگ و فرهنگ شان به آن دچار شده اند. (این نظریه در تمام زمان ها مکان ها صادق نیست، آنقدر که فقر برابر فرمایش حضرت علی علیه السلام در نهج البلاغه ویکتور هوگو در کتاب بینوایان که در 18 سالگی این کتب را مطالعه نمودم، است، در فرهنگ ارثی نیست - مولف)، جامعه شناسی آمریکا به مدت طولانی، تحت تاثیر خرده فرهنگ های مهاجران، حاشیه نشینان و نیز ثروتمندان و قدرتمندان بوده است. فرهنگ از نظر اجتماعی، عمومیت دارد و تعامل افراد و جامعه را منعکس می سازد. این پدیده "فرهنگ فقر" را می سازد.

"اسکار لوئیس" یکی از نویسندگان عمده و اصلی این دیدگاه فرهنگ را مجموعه ای از باورها و ارزش هایی می داند که از یک نسل به نسل بعدی منتقل می شود. او می نویسد: از زمانی که فرهنگ فقر بوجود آمد، تمایل داشته است که خودش را همیشگی کند. تا زمانیکه بچه ها به شش یا هفت سالگی می رسند آنها معمولاً نگرش های اساسی و ارزشهای خرده فرهنگ شان را فرا می گیرند. بنابراین آنها از نظر روان شناختی به کار تمام وقت آمادگی پیدا نمیکنند و در نتیجه امتیازات تغییر شرایط یا فرصت های بهبودی زندگی شان را از دست میدهند. [scientific American. October 1966. Quoted in Ryan \(1976:12\)](#)، براساس این رویکرد فقر تنها نداشتن درآمد کافی نیست، بلکه شیوه ای از زندگی است که از نسلی به نسل دیگر منتقل می شود. این رویکرد فقر را عمدتاً معلول نگرش فردی افراد فقیر می داند.

مدرک: میردال گونار (1386). [درام آسیایی. تهران انتشارات امیرکبیر](#)

و این مورد می توان را از طریق پردازش ابری اثبات کرد و علل نابود کننده را آشکار کرد، داده های حقیقی نظیر، عدم وجود معیشتی مساوی، بیماری های صعب العلاج از حوادث اجتماعی ویا استفاده از مواد ضد سلامت و حرام، نادانی و جهالت، معلولیت های ارثی، بی سرپرستی و در بدری و نظایر اینها از عللی هستند که افراد و جامعه را در فقر و نابودی قرار می دهد که علل فرهنگی زیادی دارد، به نظر میردال، پدیده های اقتصادی و اجتماعی در کشورهای در حال توسعه دارای رابطه علت و معلولی هستند. مثلاً بیکاری، باعث فقر و آن هم باعث سوء تغذیه و نهایتاً کاهش کارایی می شود و کاهش کارایی به فقر می انجامد. به نظر وی، در همه زمینه ها و ساختارها این رابطه برقرار است. وی علیت تراکمی (در بعضی کتب "علیت دوری") را عاملی می داند، که اثرات بازدارنده را تشدید می کند. در روند متراکم،

شرایط به‌نحوی تنظیم می‌شود که فقر در واقع عامل ایجاد فقر خواهد شد به‌بیانی خلاصه، از نظر میردال، "یک کشور، فقیر است برای اینکه فقیر است".

نظر امام خمینی (ره) در مورد فقر: "... شما خیال می‌کنید آن دزدی که شبها از دیوار با آنهمه مخاطرات بالا می‌رود و یا زنی که عفت خود را می‌فروشد، تقصیر دارد؟ وضع معیشت بد است که این همه جنایات و مفاسد که شب و روز در روزنامه‌ها می‌خوانید بوجود می‌آورد (۱۳۴۳/۱/۲۱) قسمتی از سخنرانی امام (ویا: اسلام هم دینی است مال همه، یعنی آمده است که همه بشر را به یک صورت عادلانه درآورد. به صورتی که یک بشر به بشر دیگر بقدر سر سوزن تعدی نکنند. یک بشر با بچه خودش. با زنش تعدی نکند. یک زن با شوهرش تعدی نکند، دو برادر بهم تعدی نکنند. (صفحه ۳۰ کتاب: زن از دیدگاه امام خمینی/ گردآورنده: نهضت زنان مسلمان/ چاپخانه آزادی، خ سعدی شمالی- خ مطبوعی- پلاک ۱۸/ چاپ چهارم، ۲۲ بهمن ۱۳۶۱)، با توجه به رهنمودهای حضرت امام (ره)، اولاً، فقر نه تنها ارزش نیست بلکه ضد ارزش هم هست. فقر، ارمغان ظلم، استثمار و سودجویی، یا تن پروری و فرهنگ غلط است. این پدیده در آیات شریفه قرآن کریم و روایات متعدد معصومین (ع) مذمت شده و حتی در برخی از کلمات آن بزرگواران، در حد کفر یا پدیدآورنده آن، شمرده شده است. در رهنمودها و نظرات حضرت امام (ره)، نیز فقر، محرومیت و استضعاف به طور گسترده مذمت و به عنوان یک پدیده ضد ارزش معرفی شده است. اگر در بعضی از روایات دیده می‌شود که از فقر ستایش شده، این نه به معنی یک اصل کلی و قابل تعمیم به تمام جامعه و در همه زمانها بلکه تنها یک دستور خاص و با توجه به شرایط ویژه زمانی و مکانی بوده است و در هر حال نمی‌توان «فقر» را ارزش دانست. مدرک زیر: www.imam-khomeini.ir/... جنگ فقر و غنا از دیدگاه امام خمینی..

1.3. استفاده از مدل هیبریدی و فراکتالیسم قاعده "جری-انطباق" در توسعه مدیریت راهبردی مهندسی فرهنگی نظیر پروژه های یقینی Dampster-Shafer

بدن انسان یک ماشین هیبریدی کامل است، کره زمین یک هیبرید کامل است، سازگاری یک قانون کلی بین اشیاء و عنصر آنست، تصورات و خیالات ما بر اساس ظواهر آنچه حس میکنیم که مهر ابطال بر آن خورده است، بر اساس همین ادراکات حسی، فرضیه می‌سازیم و بر اساس این فرضیه‌ها بدنبال حل مسائل اقتصادی، سیاسی و اجتماعی هستیم، میلیارد سال کره زمین بوده و مخلوقات خداوند روی آن زندگی میکردند، تصور این است که انسان‌ها قبل از ما (نسل آدم) مثل جانوران زندگی میکردند، توی گل ولای می‌لولیدند، بلد نبودند از هوشمندیهای طبیعی، جانوری و عناصر روی زمین بهره ببرند، فقط قبول کنیم مثلاً 6 هزار سال تمدن داشتیم و بقیه میلیون‌ها سال میمون بودیم، این نگاه سخیف و کوتاه‌گونه به هستی نظام مند هستی است که سالها در دانشگاه‌ها درس دادند و باور کردیم و بر اساس این باورهای باطل، می‌خواهیم، از این کره سفارشی و هوشمند که خداوند مٲان بما اعطاء کرده است، ابزارهای عجیب و غریب بسازیم، ولی زمین از دست ما به داد درآمده و قدرت نگهداری امواج فروسرخ خورشید را ندارد و دارد آتش میگیرد، جنگل‌هایش در حال سوختن است، حیوانات در حال

نابودی واگر یخ های اقطاب جنوب و شمال شروع به ذوب شدن کنند ، شما شاهد یک " جری وانطباق" تاریخی کره زمین بر اثر سرمای شدید گذشته خواهید بود.

این یادگیرنده در مقاله 282 قواعد فعالیت های اعتقادی و لزوم یادگیری سازگاری بین اشیاء مبتنی بر دانش مفید را یادآور شدم ، در امور علمی و دانش های فیزیکی ، تجربی (تجربه بالاتر از علم است - علی علیه السلام) شاخص های عملکردی خود را نشان داده است و مبرهن ساخته است که هر نظر و عمل صادق ، وقتی با اعتقاد قلبی و صدق کردار توأم میشود ، علاوه بر اینکه از زمره امور ممکنات میشود، بلکه تجلی آن در نظر شاهد آگاه در حکم یک معجزه میباشد ، قوانین و قواعد دانش مفید توسط این ابداع کننده ، دلیل روشنی بر این مدعاست و **یامدل های یقینی موسوم بر حسب تئوری Dampster-Shafer نیز نمونه دیگری از این مدعاست و این دانش به قدری وسیع است** که یافته های حسی - ابطالی (falsity sense-) بخش کوچکی از معلومات بشری را تشکیل میدهد ، لذا بر خلاف نظریه و تئوری های گذشته و بخصوص از سوی غرب ، بین کل اشیا جهانی بر حسب دانش مفید های سازگاری وجود دارد که از شمار خارج است و در این راستا می توان از پروژه های هیبریدی نظیر بیمارستان هیبریدی ، ساختمان های هیبریدی ، اتومبیل هیبریدی ، کشاورزی هیبریدی و هزاران مورد دیگر را می توان نام برد و سطح علمی کشور را برای رسیدن به توسعه پایدار و با سهیم کردن احاد ملت ، در منافع سرشار آن اعتلاء بخشید. پس " جری وانطباق" و صدها قانون و قاعده دیگر است که حیات ما و کره زمین به نوع چرخش آنها کار دارد، زمین میلیارد ها سال دیگر حیات دارد ، ولی بسیار هوشمند است ، سیستم های آن با هم سازگار و دارای قابلیت همگرایی و هم افزایی فزاینده و تنها مزاحم آن ، ما انسان ها هستیم که فساد میکنیم و با فساد خودمان زمین را خشمگین می نمایم ، و این قاعده در هیچ زمان و مکانی از جریان تکوینی سلب و جدا نمی شود و بر اساس فرضیه های زیر عمل میکند: <https://hawzah.net/fa/article/view/2325> ، از این مدل ها در توسعه مدیریت راهبردی مهندسی فرهنگی استفاده می کنیم .

2. پیوند حوزه و دانشگاه یکی از راه های جدی غنای فرهنگی توسعه کشور پیام حضرت امام خمینی(س) به مناسبت روز وحدت حوزه و دانشگاه

باید از حوزه های علمیه یک عالمی به تمام معنا متعهد بیرون بیاید، و مرکز ساخت انسان باشد؛ و دانشگاه هم مرکز ساخت انسان. ما انسان دانشگاهی می خواهیم، نه معلم و دانشجو.

به گزارش جماران، به مناسبت روز وحدت حوزه و دانشگاه، مدرسان و طلاب حوزه علمیه و دانشجویان عضو دفتر تحکیم وحدت حوزه و دانشگاه در روز 27 آذر 1359 با امام خمینی در حسینیه جماران دیدار کردند. امام در ابتدای بیاناتشان در این دیدار اهمیت وحدت حوزه و دانشگاه را یادآور شدند و فرمودند: «**چه مجلس شورانگیزی است و چه اجتماع مبارکی!** یک روز بود که دانشگاه و حوزه های علمیه نه آنکه از هم جدا بودند، جَوّی به وجود آورده بودند که با هم شاید دشمن بودند. نه دانشگاهی تحمل روحانی را داشت و نه روحانی تحمل دانشگاهی. **اساس هم این بود که دو قشری را که با اتحادشان تمام ملت متحد می شوند از هم جدا ننگه دارند،** و با هم مخالفشان کنند تا ملت اتحاد پیدا نکند. بحمد الله در این نهضت اسلامی، این انقلاب اسلامی، این تحول بزرگ حاصل شد که هیچ یک از این دو طایفه خودشان را از دیگری ان شاء الله جدا نمی دانند. آن وحشتی که دانشگاهی ها از معمم داشتند و آن وحشتی که معممین از دانشگاهی ها

داشته اند، به اذن خدای تبارک و تعالی مرتفع شد. و حالا شما برادران دانشگاهی و برادران روحانی در کنار هم برای رفع مشکلات و برای به پیروزی رساندن انقلاب مجتمع هستید».

بنیانگذار جمهوری اسلامی در ادامه با بی فایده خواندن علم بدون تهذیب و تعهد خطاب به حاضرین بیان داشتند:

«دانشگاه و حوزه های علمیه و روحانیون می توانند دو مرکز باشند برای تمام ترقیات و تمام پیشرفت های کشور. و می توانند دو مرکز باشند برای تمام انحرافات و تمام انحطاطات. از دانشگاه هست که اشخاص متفکر متعهد بیرون می آید. اگر دانشگاه، دانشگاه باشد، اگر دانشگاه واقعاً دانشگاه باشد و دانشگاه اسلامی باشد؛ یعنی در کنار تحصیلات متحقق در آنجا، تهذیب هم باشد، تعهد هم باشد، یک کشوری را اینها می توانند به سعادت برسانند. و اگر حوزه های علمیه مُهذب باشند و متعهد باشند، یک کشور را می توانند نجات بدهند. علم تنها اگر ضرر نداشته باشد، فایده ندارد. تمام این، وقتی ما به یک نظر وسیعی به همه دنیا و به همه دانشگاه هایی که در دنیا هست بیندازیم، تمام این مصیبت ها که برای بشر پیش آمده است ریشه اش از دانشگاه بوده. ریشه اش از این تخصص های دانشگاهی بوده. این همه ابزار فنای انسان و این همه پیشرفت هایی که به خیال خودشان در ابزار جنگی دارند، اساسش از دانشمندانی بوده است که از دانشگاه بیرون آمده اند. دانشگاهی که در کنار او اخلاق نبوده است، در کنار او تهذیب نبوده است. و تمام فسادهایی که در یک ملتی یا ملت ها پیدا شده است از حوزه های علمیه ای بوده است که متعهد به دستورات اسلامی نبوده اند. تمام این ادیانی که ساخته شده است از دانشمندان و علما سرچشمه گرفته است. علمی که پهلوی او اخلاق و تعهد اسلامی نبوده است، تهذیب نبوده است، دنیا را دانشگاه به فساد کشانده است. و دنیا را دانشگاه می تواند به صلاح بکشد. **دانشگاه های سرتاسر جهان اگر موازین انسانی را، اخلاق انسانی را، آنچه که در فطرت انسان است، در کنار تعلیم و تعلم قرار بدهند، یک عالم، عالم نور می شود.** و اگر تخصص ها و علم ها منفصل باشد از اخلاق، منفصل باشد از تهذیب، منفصل باشد از انسان آگاه، انسان متعهد، این همه مصیبت هایی که در دنیا پیدا شده است از همان متفکرین و متخصصین دانشگاه ها بوده. این دو مرکز - که مرکز علم است - هم می تواند مرکز تمام گرفتاری های بشر باشد و هم می تواند مرکز تمام ترقیات معنوی و مادی بشر باشد. علم و عمل، علم و تعهد به منزله دو بال هستند که با هم می توانند به مراتب ترقی و تعالی برسند».

حضرت امام در این دیدار با تاکید بر اهمیت نقش دانشگاه در جامعه فرمودند:

«شما پنجاه سال دیدید که در این حکومت جائز، دانشگاه بود، اساتید دانشگاه بودند و کشور ما را همان اساتید دانشگاه و همان دانشگاه ها کشاندند به دامن ابرقدرتها. این فاجعه بوده است برای این ملت که ابزار عملش، دست کسانی باشد که متعهد نیستند و به فکر خودشان نیستند. این فاجعه است که ابزار علم در دست اشخاصی باشد که متعهد نیستند و اخلاق اسلامی ندارند. فرق بین دانشگاه و حوزه های علمیه نیست در اینکه اگر همراه با علم، تعهد باشد، تزکیه باشد، با این دو بال علم و اخلاق و عمل، مملکت خودشان را، کشور خودشان را نجات می دهند. و از حلقوم آنهایی که می خواهند همه چیز ما را ببرند نجات می دهند. و اگر علم تنها باشد، فقط در دانشگاه ها تحصیل علم باشد، در مدارس تحصیل علم باشد، این علم، انسان را

به فنا می کشد. منشأ همه گرفتاری های یک کشور از دانشگاه هست و حوزه های علمی. و منشأ همه سعادت‌ها، مادی و معنوی، از دانشگاه است و حوزه های علمی. اینکه نقشه های بزرگ برای نفوذ کردن در دانشگاه ها و تربیت کردن جوان های ما را به یک تربیت هایی که بر خلاف مصالح کشورشان است، این برای این است، که اگر دانشگاه فاسد بشود، یک کشور فاسد می شود. اگر دانشگاه فقط نظرش به این باشد که تحصیل علم بکند، ما فرض این را می گیریم که خیر، خوب هم تحصیل می کرد. در صورتی که این طور نبود، اگر ما فرض بکنیم که در دانشگاه، تمام علوم و فنون به وجه اعلا پیاده می شود، و به جوانهای ما تعلیم می شود، لکن در پهلوی او تبلیغاتی است که همین علم را آلت قرار می دهند از برای انحطاط یک کشور. اینهایی که از دانشگاه ها بیرون آمده بودند و به مقام های وزارت و کذا رسیده بودند و به مقامات دیگر، همین ها بودند که ما را به دامن شرق و غرب کشاندند، و ما را وابسته کردند به آنها. ما که می گوئیم که باید دانشگاه و فرهنگ اصلاح بشود، ما نمی خواهیم که دانشگاه نباشد. ما می خواهیم دانشگاهی باشد که برای ملت باشد، برای خودمان باشد. دانشگاهی که در خدمت امریکا باشد، نبودش بهتر است."

ایشان تربیت انسان را وظیفه مهم حوزه ها و دانشگاه ها برشمرده و دانشگاه و حوزه را مرکز علم و تهذیب دانسته و خاطر نشان ساختند:

"باید از حوزه های علمیه یک عالمی به تمام معنا متعهد بیرون بیاید، و مرکز ساخت انسان باشد؛ و دانشگاه هم مرکز ساخت انسان. ما انسان دانشگاهی می خواهیم، نه معلم و دانشجو. دانشگاه باید انسان ایجاد کند و انسان بیرون بدهد از خودش. اگر انسان بیرون داد از خودش، انسان حاضر نمی شود که کشور خودش را تسلیم کند به غیر. انسان حاضر نمی شود که تحت ذلت برود و اسارت. آنها هم از انسان می ترسند... باید همه اشخاصی که علاقه دارند به این کشور، علاقه دارند به اسلام، علاقه دارند به این ملت، توانشان را روی هم بگذارند برای اصلاح دانشگاه. خطر دانشگاه از خطر بمب خوشه ای بالاتر است. چنانچه خطر حوزه های علمیه هم از خطر دانشگاه بالاتر است. باید تهذیب بشوند اینها. باید اشخاص متعهد- چه در حوزه های علمیه و چه در دانشگاه- کمر خودشان را محکم ببندند برای اصلاح. حالا شما آقایان یک قدم برداشتید و این قدم پُر برکتی است و او اینکه آن دیوار بزرگی که بین شما کشیده بودند، آن سدّ عظیمی را که ما بین به اصطلاح فیضیه و دانشگاه کشیده بودند، آن سد را شما شکستید. این قدم اول است که شما برداشتید، و قدم های بعد، کوشش در اینکه از همه جهات مستقل باشید و وابسته نباشید. من این عرضی را که می کنم، خوب دیگر نمی توانم بعد ببینم شما را که به آن مرتبه رسیده اید. دیگر اواخر کار است برای من. اما من می گویم که دیگران و نسل های آتیه ای که- ان شاء الله- می آیند متوجه باشند که این دو مرکز باید با هم باشند. و این دو مرکز باید علم و عمل، و علم و تهذیب را به منزله دو بالی بدانند که با یکی از آنها نمی شود پَرید، قدم های بعد؛ تهذیب است"

مهم این است که دانشگاه یک کسی که از آن بیرون بیاید بفهمد که من با بودجه این مملکت تحصیل کرده ام، متخصص شده ام، به مقامات عالیه علم رسیده ام، و باید برای این مملکت خدمت بکنم. و برای استقلال این کشور باید خدمتگزار باشم. باید این اساتید دانشگاه آن چیزهایی که در سالهای طولانی و خصوصاً در این تقریباً پنجاه سال آخر در مغز این جوانها انباشته کرده اند؛ و به آنها همچو باورانده بودند که ما خودمان

چیزی نیستیم و باید همه چیزمان از آنجا باشد، که این موجب این شد که مغزهای اینها به کار نیفتاد برای این که، خودشان یک چیزی را ایجاد کنند. باید آنهایی که به این کشور علاقه دارند، آنهایی که به این ملت علاقه دارند، آنهایی که خودشان وابسته نیستند و خدمتگزار ابرقدرتها نیستند، آنها همت کنند به اینکه دانشگاه را یک مرکزی درست کنند که مرکز علم و تهذیب باشد، که همه تخصصها در خدمت خود کشور باشد نه اینکه متخصص بشود و با آن تخصصش ما را به دامن امریکا بکشد. متخصص بشود و با آن تخصصش به کشور ما ضربه وارد کند. هر چه متخصص تر؛ بدتر.

"آن کسی که مهذب نشده است، و آن کسی که برای کشور خودش احساس نکرده که من برای این کشور هستم و از این کشور، من استفاده کرده ام و استفاده علمی ام را باید به این کشور تحویل بدهم، اگر این احساس نباشد و این باور نباشد، دانشگاه بدترین مرکزی است برای اینکه ما را به تباهی بکشد. و اگر این احساس پیدا شد و این اساتید دانشگاه، آنهایی که متعهدند، آنهایی که توجه دارند، آنهایی که در زمان سابق برای این مملکت غصه می خوردند، باید خودشان را مجهز کنند که این فرزندان ایران، متعهد و در خدمت خود ایران باشند. **اگر این طور بشود، دانشگاه بالاترین مقامی است که کشور ما را به سعادت می رساند.** دانشگاه دو راه دارد: **راه جهنم و راه سعادت. راه ذلت و مسکنت و نوکرمآبی و امثال اینها، و راه عظمت و عزت و بزرگ منشی.** دانشگاه همین دانشگاه را تا ما داریم فایده ندارد. ما دانشگاه پنجاه سال است داریم. و از دانشگاه هر چه فساد توی این مملکت پیدا شد از این اشخاصی بود که در دانشگاه تحصیل کرده بودند، تخصص هم شاید داشتند."

" فیضیه، اگر تهذیب در کار نباشد، علم توحید هم به درد نمی خورد. «الْعِلْمُ هُوَ الْجَبَابُ الْأَكْبَرُ» هر چه انباشته تر بشود علم، حتی توحید که بالاترین علم است، انباشته بشود در مغز انسان و قلب انسان، انسان را اگر مهذب نباشد، از خدای تبارک و تعالی دورتر می کند. باید کوشش بشود در این حوزه های علمیه، چه حال و چه بعدها کوشش بشود که اینها را مهذب کنند. در کنار علم فقه و فلسفه و امثال اینها، حوزه های اخلاقی، حوزه های تهذیب باشد، و حوزه های سلوک «الی الله تعالی». شما می دانید که مرحوم شیخ فضل الله نوری را کی محاکمه کرد؟ یک معمم زنجانی؛ یک ملای زنجانی محاکمه کرد و حکم قتل را او صادر کرد؛ وقتی معمم، ملای؛ مهذب نباشد، فسادهش از همه کس بیشتر است. در بعض روایات هست که در جهنم، بعضیها- اهل جهنم- از تعفن بعض روحانیین در عذاب هستند، و دنیا هم از تعفن بعضی از اینها در عذاب است.

" تا اصلاح نکنید نفوس خودتان را، از خودتان شروع نکنید و خودتان را تهذیب نکنید، شما نمی توانید دیگران را تهذیب کنید. آدمی که خودش آدم صحیحی نیست نمی تواند دیگران را تصحیح کند؛ هر چه هم بگوید فایده ندارد. کوشش کنند علمایی که الآن در حوزه ها هستند؛ در هر حوزه های اسلامی که این جوانها که با یک فطرت سالم می آیند، بعد از ده، بیست سال با یک فطرت فاسد بیرون نروند. تهذیب لازم است؛ هم در شما و هم در شما. البته همه، همه ملت و همه انسانها باید مهذب بشوند. لکن تاجر اگر مهذب نشد، کارش یک کار گرانروشی و نمی دانم اینهاست که وقتی همه اش را روی هم بگذارند فسادش زیاد است، اما یک نفر این قدرها فساد ندارد. اما عالم اگر فاسد بشود، یک شهر را، یک مملکت را به فساد می کشد، چه عالم دانشگاه باشد و چه عالم فیضیه، فرقی نمی کند. ان شاء الله خداوند تبارک و

تعالی، این قدمی را که شما عزیزان برداشتید و آن وحدت بین شما و دانشگاه و شما و روحانیون، این قدم را مبارک کند"

امام در پایان این دیدار با یادآوری نقشه دشمنان برای جدایی میان حوزه و دانشگاه خطاب به حاضرین فرمودند:

"آن وقت جدا کرده بودند شما را از هم. یک دیواری کشیده بودند. شما آن طرف و آنها هم آن طرف. هر دو هم به هم بدبین و آنها هم استفاده‌اش را می کردند. حالا که می بینند که یک تحولی پیدا شده است؛ دانشگاهی متمایل شده است به روحانی، روحانی متمایل شده است به دانشگاهی، با هم هستند و می خواهند با هم کشور خودشان را به پیش ببرند، حالا شیاطین بیشتر در فکر هستند که روحانی را از یک طرف بگویند و دانشگاهی را از یک طرف، و فساد کنند بین این دو تا. به آنها بگویند که اینها چطورند، به اینها بگویند آنها چطورند. چشم‌هایتان را باید خیلی باز کنید. در این زمان چشم و گوشها باید خیلی باز باشد که یک وقت می بینید از داخل خود دانشگاه و از داخل خود فیضیه شما را به فساد می کشانند. شما را به تفرقه می کشانند، اینها نمی توانند ببینند. اینهایی که نمی خواهند این کشور یک کشور صحیح و سالم باشد، و اربابهای آنها که از اول هم نمی خواستند، نمی توانند ببینند که شما با هم مجتمع شده اید و می خواهید با هم کار کنید"

" آنها عواقب این امر را برای خودشان می دانند که اگر حقیقتاً دانشگاهی و حوزه های علمی و همه دانشگاه ها در هر جا که هستند اینها با هم بشوند و با هم نقشه داشته باشند برای پیروز کردن انقلاب، این برای آنها چه عواقبی دارد. آنها این مطالب را مطالعه کرده اند، می فهمند و در صدد این هستند که نگذارند شماها با هم باشید. چشم و گوشتان را- چه دانشگاهی ها و چه طلاب علوم روحانی- چشم و گوشتان را باز کنید. و هر که به شما یک مطلبی بود گفت که در آن مسیر باشد، توجه کنید که این یک غرضی در آن هست. هر وقت آمدند گفتند روحانی چه جوری است، و هر وقت آمدند گفتند دانشگاهی چه جوری است، بدانید که این کاری که شما کردید، برای آنها سنگین دارد تمام می شود. و باید- ان شاء الله- به پیش بروید و اشخاصی هم که هر کس در هر جا هست و می تواند خدمت بکند به این اجتماع و خدمت بکند به این دانشگاه و خدمت بکند به این فیضیه، باید خدمت بکند که آنها را، هم مهذب کند و هم عالم، متخصص و هم متحد»(صحیفه امام، ج13، ص: 412-422)."

3. امام خمینی (ره) تمام وجودش مملو از تکوین ، تشریح و ابداع بود و مجذوب در خداوند متعال (About 21,900 results)

یکی از ابعاد شخصیت مهم امام(ره) و از اندیشه های تابناک و برجسته اش، اندیشه عرفانی اوست که **یقیناً در مدیریت و رهبری آن حضرت تاثیر شایانی داشته**، این اندیشه درخشان و نورانی ریشه در شناخت عمیق او از خداوند متعال داشت. اطاعت مطلق در برابر خداوند متعال آن حضرت را به جایی از بندگی ترقی داده بود که گروه عظیم انسانها را با اخلاص به اطاعت و ارادت به خود و عشق به آن وجود الهی و ادار می نمود، که با بیانی ساده در حد فهم مردم، شوق و عشق را در دل جوانان پاک و غیور این مرز و بوم زنده می نمود و آنها را برای دفاع از کیان ایران و انقلاب اسلامی بسیج می

نمود، بدون تردید اطاعت از مقام ولایت و مرجعیت از یک ارتباط عمیق معنوی و عاطفی نشأت می گرفت که بین مردم و امام برقرار بود و همین ارتباط عمیق معنوی بود که توده میلیونی ملت ایران را در برابر ظلم و استبداد دوران استبداد بسیج نمود و انقلاب اسلامی را به ثمر نشاناند، همه این ثمرات حاصل معنویت و عرفان حضرت امام(ره) بود که دلها را شیفته خود می کرد، **چنان که در سخنرانی های ساده ولی برخاسته از جایگاه بلند معنوی و دل وابسته او به خداوند، چشم عاشقانش پر از اشک می شود**، مردم ایران و جوانان عاشق حضرت امام هستند و این عشق الهی و لایتناهی است که حکایت از عشق لبریز امام به خداوند متعال دارد، بسان عشق یاران امام حسین(ع) به آن حضرت که صحنه ساز روز عاشورا، (بزرگترین حادثه تاریخ) شدند. انقلاب اسلامی ایران و حکایت رهبری آن عطف به نهضت امام حسین(ع) است، و امام خمینی (ره) چونان امام حسین(ع) عاشقان وارسته از تعلقات دنیا را با خود به دیدار معبود و معشوق ازلی که منتها و غایت کمال است هدایت نمود. چنان که فرمود: «از شهداء که نمی شود چیزی گفت، شهداء شمع محفل دوستانند، شهداء در قهقهه های مستانه شان و در شادی وصولشان «عند ربهم یرزقون» اند و از نفوس مطمئنه ای هستند که مورد خطاب «فادخلی فی عبادی و ادخلی جنتی» پروردگارند، اینجا صحبت عشق است و عشق و قلم در ترسیمش بر خود می شکافد». عشق در آینه عرفان امام خمینی (ره)؛ [23 بهمن 1393](http://emam.com/posts/view/4910) (emam.com/posts/view/4910)

کسانی که امام را از قیام های قبل از سال 1340 می شناسند ، با پیام ها و ملحقات سیاسی و فریاد های این رادمرد تاریخ درس انسانیت گرفتند ، بعضاً در این راه شربت شهادت نوشیدند ، بعضاً در دام دشمنان گرفتار آمدند و بعضاً موفق در قیام 22 بهمن 1357 شدند، انتخاب این مردان و زنان که در جریان "جری- انطباق" از امام پیروی میکردند ، عده ای برای دفاع مقدس غسل شهادت کردند ، عده ای برای پذیرش مسئولیت های سنگین و بدون چشم داشت فقط با میزان و مقدار که خمیره انقلاب و از جان گذشته نظیر شهید رجائی (که به عنوان استاندار تهران در کنار امام شرف حضور داشتم و دیدم امام در برگه انتخابات نوشت "رجائی") بدون این همه تشریفات اداری، فاصله دهک درآمدی بین همه حقوق بگیرهای دولتی و عمومی 1 به 6 شد و با 7 تومان معادل یک دلار(یا 70 صدم گرم طلا) دفاع مقدس اداره میشد و معیشت ها زبان زد امروز مردم شد، حالا صدها قانون و مقررات و دستور العمل وضع میکنند تا رابطه حقوق بین ا به 25 باشد و از لحاظ ضریب جینی برابر اعلام سازمانهای جهانی بالای 43 درصد هستیم و درآمد فقیر و غنی در جامعه شناور ، از ثری و ثریا که با ضریب جینی این ظلم مشخص نمی شود و همه امور در دهه اول با رادمردان و زنان قانع که حتی بخشی از حقوق ماهانه خود را به دولت برمیگردانند ، می چرخید ، هر وقت یک توفیقی حاصل میشد ، مثل فتح خرمشهر ، فوری امام میفرمود ، خرمشهر را خدا نجات داد ، چنانچه فرمود : انقلاب انفجار نور بود ، در قضیه طبس فرمود ، طوفان مامور بود ، در توطئه علیه ایشان فرمود: سگ مامور بود ، هم امام در درجه اولی و هم کارگزاران در پیروی از این بنیان گذار کبیر ، این چنین بودند ، انقلاب روش داشت ، مرام داشت ، گفتمان داشت ، تمکین به سنت های الهی داشت ، نگاه وحیانی داشت، با این ادبیات از یک سوی و با قواعد دانش مفید از سوئی دیگر و ابعاد علی نظیر سیستم گذاری و صدها تدابیر دیگر ، میشود ضریب جینی خود را مثل کشور سوئد به 25 درصد برسانیم و با مطالعات تطبیقی که حدود 300 هزار صفحه تحقیق و تفحص تحریر کردم ، طرحی بر اساس ایمان و تقوا

بر انداخت تا خدا ، فلک وافلاک و طبیعت ، عنایات و رحمت و اسعه خود نصیب دولت و ملت کند و از انشاء های حقوق شهروندی خلاصی یابد.

4. استاندارد معنوی در کنار استاندارد فیزیکی

روزی که داشتم درباره استانداردهای معنوی (spiritual standards) باروش توصیفی – تطبیقی تحقیق می کردم با رکوردی معادل About 58,100,000 results روبرو شدم و با توجه به اینکه خودم کارشناس استاندارد بودم و مهندس پایه یکم و ارشد نظام مهندسی ، نامه ای به مضمون زیر برای ریاست محترم سازمان استاندارد ملی نوشتم :

بسمه تعالی

ریاست محترم سازمان ملی استاندارد ایران

سرکار خانم مهندس نیره پیروز بخت

با سلام و تحیات فراوان به شما و همکاران گرامیتان

موضوع : آغاز تدوین استاندارد های معنوی در جهان

همانطور که اشراف دارید فلسفه استاندارد جهانی و پیدایش آن منوط به رفع نیازهای انسانی برای زیستی مطلوب در ابعاد معنوی و مادی میباشد و از آنجا که طبیعت و ماهیت زندگی انسانی در ابعاد وسیع معنوی او قرار دارد که دایره مدار جسم ، راهنمای بدن ، تشکیل دهنده عواملی از ماوراء ساختمان فیزیکی انسان بوده و مدیریت بهینه و سالم را تکلیف میکند و در این راستا ، عوامل مادی ضروری در این شاکله بندی به عنوان تسهیلات زیستی انسان فراهم میشود و در چنین جریان مستمری است که این آمیخته که انسانش می نامیم متشکل از روح و جسم و مرکب از عقل و غریزه و گرایش های انسان تشکیل ماهیت می دهد و به تبع آن جامعه بوجود آمده و حرکت جامعه و جریان تکاملی آن با چنین سیالیتی متشکل از این عناصر بسوی آرمان ، مقصود اهداف و ایده پردازی رهسپار میگردد و همانطور که در فلسفه تاریخ آمده است ، تاریخ حاصل انگیزش و محرک منتج از این مجموعه بزرگ و بطور موجز حاصل دو عنصر روح و عقل است که عقل با ادبیات معنادار خود برخاسته از ماورای طبیعت ، ایدئولوژیک زیست و تحصّلی از متافیزیک دارد تا اینکه این جوهره شگفت را صرف ماده دانسته و به جریان ارتعاشات ، اعصاب ، امواج و نظایر اینها خلاصه کنیم و از روحانیت خالی ببینیم .

حال میخواهیم بسنجیم که کدام عوامل اساسی نقش ایجادی و کدام یک نقش تبعی یا تکمیلی در تدوین **استاندارد** دارد و تا موقعی که عوامل موجهه که در انسان جوهر اصلی تحرکات و انگیزش ها را بازی می کند شناخته نشود ، و معیار آن مشخص نگردد ، شاخص نداشته باشد ، و استاندارد نشود ، عناصر تبعی ، ضمنی و یا تکمیلی که مکمل درمان اجتماعی است ، چه تاثیر بنیادی دارد ، و چون غرب از این اولویت غافل بوده و از میانه راه و از این ضمامت شروع کرده و با پرتونگاری و گردش جریان های عصبی که آنهم از فقدان روح سالم رنج میبرده و نتایج رنجوری خود را اشکار ساخته است ، عناصر بدون روح را و یا

همان تکمیل کننده را به عنوان ماهیت استاندارد کرده پذیرفته است! **چه اشتباه بزرگی رخ داده**
و چگونه کالبد استاندارد و جوامع بشری فاقد روح شده است .

در اینجا به نقل قولی از فرانسیس فوکویاما که یک متفکر دوستار غرب است، اشاره می‌کنم که انقلاب اسلامی ایران را یک روح برای جهان بی روح تلقی کرده و در این راستا عوامل مبنائی این روح را به عنوان یک "نمونه خاص" در ایجاد تغییرات اساسی جهان مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است، این نمونه در مقایسه با تمام جنبش‌های معاصر وجهی خاص داشته و تفاوت‌های بنیادین دارد، معنویت، جهاد، امید مقوم به انتظار و بروز عوامل کاربردی عدالت در جهان، ولایت مداری مردم، تکلیف مداری، حق و حقیقت، عرفان خاص شیعی، و عوامل کلیدی دیگری که میشل فوکو نیز موید آن است، بیک باره نظام مدرنیسم، لیبرال دموکراسی و ارزشهای سیاسی غربی را باطل شمرده و در پی تاسیس بنیان‌های نوین از همان عوامل مبنائی روحی میباشد (منبع: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، شماره ۱۳۳/۰۹۲۲۰۰۰۱۳۹، تاریخ: ۲۳/۰۹/۹۰) و این گونه بیانات از دوستان غرب و دشمنان اسلام را ما عیناً در مصاف جهاد گران جان بر کف بر علیه استکبار جهانی دیده و نمونه بارزی از دفاع مقدس را جهان تجربه کرده است و هر جا که چنین فعالیت‌هایی و با چنین روحیاتی در ایران واقع شده است (در دانش و فناوری، در کشت و زرع، در آبادانی و توسعه و امثال اینها) تکالیف محوله با اعتقاد و عزمی راسخ انجام گرفته و ثمره آن باعث قوام و دوام کشور شده است.

جریان انقلاب اسلامی که اکنون 38 سال از آن میگذرد و سرچشمه جوشان آن همچنان آب زلال معنویت را نثار علاقمندان و عاشقان خود می‌نماید، در جهان اثر معنوی گذاشته است و بیشترین مفاهیم مرتبط باین اثر معنوی معطوف به زندگی معنوی (spiritual Living) و نحوه **استاندارد کردن** آنست، و غرب برای پرکردن خلاء معنوی خود، به تدریج به تاسیس مراکز یا دانشگاه‌ها در این مورد پرداخته و مفاهیم و معانی زندگی (MLC) Meaningful Life Center University را در راستای ادبیات معنویت شناسی نوع خود، کشف و تدوین می‌کند و خیال میکند با این گونه طرفندها از این تهی‌گامی (Hypochondrium) و فقر معنوی نجات می‌یابد و حداقل گزینه‌ها و جانشین‌های برای پوچی و بی معنائی خود (the method on NULL SELF argument) جستجو کرده، در دیدگاه غربی که عمدتاً مدل‌ها و روش‌های خود را از پوزیتیویسم منطقی وحسی-ابطالی (sense-falsehood) و ارتعاشات عصبی اتخاذ میکند، استانداردهای عوامل بنیادین و کارکردی آنها را در راستای ورزش‌های معنوی (**Spiritual Exercises**) مورد آزمایش قرار داده است و در این مدل سازی‌ها، **استانداردسازی** را از مبانی مدیتیشن (Standardization of Meditation) -انتزاع کرده که بیان میدارد گذشته، گذشته است و آینده هنوز نیامده و کاملاً ناشناخته است، و زمان حال، یعنی لحظه‌ای که در آن قرار دارد، تنها لحظه‌ای است که در اختیار شماست- کتاب اصول و مبانی مایندفولنس مدیتیشن قرن 21- **آیدا رشیدی شیراز** - نشر ساوالان) یعنی پوچی اندر پوچی که کتب ترجمانی آن در ایران چاپ و نشر میشود و روانشناسان این گونه درمان‌ها را تجویز می‌کنند، که رجوعی به تفکرات و محرکات جسمانی خلسه‌گونه و یا معنی‌شناسی و ازگانی است که از جریان‌های اعتقادی نوظهور درک و کسب میکنند (Standardization of meaning) و غرب کلکسیونی از این واژگان گرد آورده و به اصطلاح

انضباط های (disciplines) اخلاق علمی رایج شده و مشغول **استاندارد سازی** آنها شده است و جای بسی تاسف است که کارگروه های فرقه ضاله بهائیت و مذهب یهودیت با کارکردهای تلمودی در استاندارد سازی معنویت مورد نظر آنها مشغول این گونه فعالیت **استاندارد سازی** شده اند و از این فرصت نظیر " حلال و یا صکوک" که از ایران سرقت شده است به سوء استفاده پرداخته و بازار مکاره راه انداخته اند.

علاوه بر فعالیت های موهومی فوق به نمونه هایی برخورد میکنیم که ظاهراً جنبه مثبت داشته و منبعث از بررسی های قلب سلیم از طریق مذاهب الهی و غیر الهی و اهمیت معنویت در درمان و علم طب (Spirituality in medicine) سایر فعالیت های نظیر اینها از مراکز و موسسات آموزشی و غیره می باشد و خوف اینست که هویت و ماهیت معنویت شناسی غرب و استفاده از نتایج تحقیقاتی آن ، انحرافات زیادی از معیار حقیقی باشد و ناگفته پیداست که وقتی اصول و فروع **استاندارد های معنوی** غرب تدوین شده و وارد مراکز اکادمیک شود ، بعنوان جواهر گرانبها و اصول منحصر به فرد وارد کشورهای اسلامی شده و مورد تقلید قرار میگیرد چنان که بارها امام خمینی قدس سره غرب زدگی را منشا بسیاری از بدبختی های ملت های مسلمان و ملت ایران می داند تا جایی که آن را تشبیه به زلزله می نمایند (صحیفه نور، ج 11، ص 183) و فرمود " آقا، امروز مملکت ما غرب زده است که از زلزله زده بدتر است. امروز بعضی از اشخاص در این مملکت می خواهند نگذارند اسلام تحقق پیدا بکند... الآن ما زلزله زده هستیم، غرب زده هستیم، همه باید دست به هم بدهیم و این راه را تا اینجا که آمدیم، باقیش هم برویم" (همان مدرک بالا، ج 7، ص 120).

جهان ما جهان انسانی است با معیارهای زیست انسانی که مشحون از مداخل معنوی ، رفتاری و نگاهت های ذهنی و اندام و ارهای روحی ، که هیچ هم ارزی با قوانین و احکام پوزیتیویسم منطقی وحسی- ابطالی (sense- falsehood) و ارتعاشات عصبی ، منطق کوانتومی ، مدارات فیزیکی و نظایر اینها نداشته و از علیت تراکمی روحی و عقلی سرچشمه میگیرد و عوامل علیت معنوی پایه و مبنای زندگی انسانی است و براساس این مبنا از علم فیزیک و هم ارز با علیت تام ، ابزار توسعه ای طلب می کند و نه اینکه ابزارهای فیزیکی می تواند جایگزین رفتار های معنوی و نیازهای روحی و عاطفی او شده ، و حتی اگر ابزار ی هوشمند گردیده و بصورت رباتیک جایگزین انسان و تعاملات او شود ، این موضوع مبرهن گشته که **استاندارد حسابداری** که عمدتاً با ریاضی سروکار دارد، در کشف دادها و آماره و صحت ارقام بر مبنای حق و باطل ، بازار و رقابت های مالکیت معنوی ، عدالت توزیعی ، ارزش گذاری منصفانه ، تراضی طرفین ، ولزوم سلامت روحی و جسمی برای کارگزاران ، منوط به اعتقادات و دیدگاه ایدئولوژیک آنان ، اعتقاد به میثاق الهی (سوگند های رایج در هنگام فارغ التحصیلی) ، نقش دین و بسیار نکات مهم و غیر قابل انکار در این فعالیت ها است ، و اگر **استاندارد ملهم از احکام الهی و دین ناب محمدی (ص) نباشد** ، زمینه و عرصه این گونه تنظیم ها در معیار شناسی ، شاخص سازی و تدوین استاندارد ها ، صاحبان دیگری پیدا کرده و احکام و نرم افزار فروشی می کنند ، چنانچه جای تاسف است که فرقه ضاله بهائیت ، احکام فقهی خود را به استاندارد نزدیک کرده و داعیه ابداع زندگی با معنویت ، کنترل و نظارت بر شئونات پیروان خود ، معنویت در رفتارهای انسان ، اخلاق ، زندگی بهتر ، موضوع قلب ، حقیقت قلب ، **استاندارد خیریه** را پی گرفته و با کمک اربابان غربی خود ، کمپین جهانی راه بیاندازد.

بنابراین مفهوم حیات به مفهوم عوامل حیات است که این اجزاء، در کلیت و تمامیت حیات از ماهیت هم ارزی بر خوردارند ، مثل منیر ونور یعنی کلی ونه یک قسمت از بدن ویک جزء از کل و برش های مقطعی ندارد وزود گذر نیست که گاهی یک درخت دیده شود وگاهی کل جنگل ، لذا حیات یک پارچه است واین رابطه کشف وشهود است ودر چنین رابطه ای مفیدیت دارد ، واین قدرت متعالی انقلاب اسلامی است که مسیر تکامل را نشان می دهد واز این نظر در تاریخ معاصر نمونه آن نیست ، جوهری خاص است ، جنگ وجدالش ، گل گذاشتن بر سر لوله سرباز متخاصم، و اگر دفاعی است ، دفاع مقدس است ، دانشگاه علم ، تفکر ، خلاقیت ونوآوری است ، جریان جوهری هستی است که انقلاب از آن زایش کرده است نه از مادیات ، و تکامل درونی است و **باید استاندارد عناصرش الزامی میشود** ، زندگی در این جهان هستی (دوزنگی یکی روی زمین ودیگری در کل جهان) با عوامل معنوی است واین دوزنگی از هم جدا نیست وراه از ابتدا تا انتها راه تکامل است وابتدائی در کار نیست ونه انتهائی در کار ، واین مهارت باید نصیب انسان انقلابی شود که بتواند دنیا را از بی روحی نجات دهد.

به عبارتی دیگر این عشق است که جریان دارد وشکوه 2500 سال طومار شاهنشائی رادر هم می پیچد به زباله دادن تاریخ می افکند ، عشق حیات ورزی است ، مایه جذب و دفع خوبی ها وبدیها است ، یک تکان تاریخی برای شاه زدائی در سراسر زمین ، ریزش کهنه ورویش تازه ها واستاندارد سازی آنها و این منشاء یک زندگی نوین است این اندیشیدن زیبا است این شادی حقیقی است ، این روح جاویدان است و رفع بیماری های اجتماعی ناشی از وجود این روح وعشق آوری آن میسوراست وچگونه است که اقبال کنیم ، اشخاص با روح بیماروبا بهانه داشتن تخصص، کارخانه اداره کنند قطعه هواپیما بسازند وتوسعه تکنولوژی بدهند ، **نظام درمانی در مسیرمعنویت استاندارد نشده است** ، برای اینکه از نوزادی تا کهولت ، جریان قطعه قطعه نیست ، مستمر است واین جریان مستلزم فهمیدن درست است، چنانکه برای شهید مرگ نیست گذر های بقا را در این سیر می بینیم بعضاً به مقاطع برش هانگاه می کنند و فکر می کنند که این مقطع همان زندگی آنهاست ، از هم اکنون سعادت با ماست ونباید منتظر برش نگاشت خودباشیم چرا که او میآیدبه دنبال هم وپی درپی واز ازل تا ابد وهیچ کدام تاریخ ندارد ،میقات دارد ، معیار دارد ، نشانه دارد ، ظرف دارد ولی مظلوف آن را مقدری می سازد که نقش خودمان در این نقاش آفرینی موثر است واگر این نگاشت خارج از مسیر باشد از هم اکنون در عذاب ونگرانی هستیم این روحیه این چنین درست میشود ، دستگاه حسی به تنهائی قادر به درک این مهمات نیست وبی روح است واز سلم وتسليم چیزی نمی فهمد، **قصه انقلاب اسلامی این چنین است ونیاز مند استاندارد است** ، که **وظیفه ذاتی سازمان استاندارد ملی کشوراست** وجای بسی افتخار ، اگر این جریان حقیقی به نظم ولباس استاندارد آراسته شود، **اقتصاد مقاومتی ظهور یافته** وکارکرد های موثر خود را نشان میدهد، دیگر نخواهی دید که یکسال هندوانه ،یک سال سیب زمینی ، یکسال پیاز ویک سال از یک صنعتی تولیدات یک صنعت انبار های کشور مملو وبقیه ازخارج کشوروارد شود ،فهم زنجیره ای حاکم میشود استمرار جریان با زنجیره تعریف میشود با منافی از ابتدا تا مصرف ، با تنظیم سیال در جریان ، ، بهینه وصدها نکته باریک تر ازمو ، وانقلاب دارای جریان تکاملی خودش را نشان میدهد با فلوی هم نواختی ، با سیالیت متناسب با تکامل انقلاب و فراخور انقلاب ، **با معیار ، شاخص واستاندارد** واین بمعنی شدن

پی درپی است که درتئوری های غرب ملاحظه نمیشود و این است شکوه زندگی جوامع بشریت،
و **استانداردی بدون انحراف از معیار** .

اینجانب که مدت 30 سال در این مباحث تحقیق و تفحص نموده ، با مقالات ، سخنرانی ها ، کتاب نویسی
و نقد و نظر که خلاصه آن در (www.elmemofid.com) آمده است و اخیراً با خواندن چند جزوه ،
مدعیانی از دانشگاه و حوزه از علم مفید سخنان کلی می گویند ، درحالی که علم مفید یک دانش میان رشته
با ابعاد نسبتاً وسیع است و در واقع پیوند دانشگاه و حوزه است که از فرامین قاعد اعظم امام خمینی(ره) در
زمان قید حیات بوده و در این حیات جاویدان چشم انتظار این پیوند مبارک است ، مفید یت علم هزاران حکم
و قاعده دارد که به **موجب رعایت و استاندارد آنها** ، محصول مفید و عاری از هرگونه ضرر و زیان و ،
رعایت حقوق ، موازنه تکلیف با مسئولیت و.... بوده و فقط جنبه انذار و بشارت ندارد ، اگر نگاهی به
یکصد مشکل آمریکا (با تنظیم اینجانب) ببیند و تجاوزات اردوگاه استکبار را از طریق تجاوزات ،
تضییع حقوق ملل ، و غیره تعمق نمائید ، **آنگاه اهمیت استاندارد کردن آنچه در علم مفید بیان کردیم آشکار
میشود** و جریان تکامل انقلاب ظاهر میشود و بر حسب آیات شریفه 1 تا 3 از سوره النصر " بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ
الرَّحِيمِ، إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ (۱) وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا (۲) فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ
وَاسْتَغْفِرْ لَهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا (۳) " نظیر بسیاری از وقایع دوران انقلاب اسلامی ، آشکار می شود و اینست
خیر جاودان از طریق مکتب معنوی استاندارد ایران ، تبلور روح میثاق و قراردادهای اجتماعی (کتب سوم
راقم این سطور)، جهانی شدن علم مفید که رسالات آن آماده است ، ایجاد فضای معنوی جهانی ، ظهور
تقوی و گسترش روح جهانی آینده انقلاب اسلامی ایران. مویید باشید

محمود صناعی پور

استاندار اسبق استان تهران و رئیس کل اسبق گمرک ایران

95/10/9

ضمائم این نامه :

1. کتاب روح میثاق و قراردادهای اجتماعی
2. 40 قوام دهی شرکت ها
3. رزومه نویسنده
4. مهارت های نویسنده
5. چه کسی باعث فقر جهانی شده است
6. 100 مشکل آمریکا
7. درمان انسان از طریق معنویت

ایشان خیلی علاقمند شدند و دستور پی گیری دادند سه روزی مراجعه کردم بلاخره گفتند اینجا
ساختاری برای اینطور کار ها نداریم و بایگانی شد

5. موضوع: ضرورت آموزشهای و ملاحظات لازم در اجرای پروژه های القائی در تولید و اشتغال زائی در طرح آمایش، زیست بوم، توسعه روستا و غیره (با تشخیص کارشناس خبره)

امتحاناً نامه باین مضمون برای جناب آقای دکتر علی ربیعی - وزیر محترم تعاون؛ کار و رفاه اجتماعی به شرح زیر نوشتم، ملاحظه کنید:

جناب آقای دکتر علی ربیعی - وزیر محترم تعاون؛ کار و رفاه اجتماعی

با سلام و آرزوی توفیق برای جنابعالی و همکاران محترم

موضوع: ضرورت آموزشهای و ملاحظات لازم در اجرای پروژه های القائی در تولید و اشتغال زائی در طرح آمایش، زیست بوم، توسعه روستا و غیره (با تشخیص کارشناس خبره)

پیش فرض یا مفروضات: در شرایط فعلی کشور، تکلیف ما از آنچه بما القاء میشود، بیشتر از تکالیف ذاتی ما است [1].

پیشنهاد دهنده: محمود صانعی پور، خبره میان رشته ای و یادگیرنده مادام العمر (رزومه پیوست است)

جناب آقای وزیر همانطور که آگاه هستید و شرایط کشور را نیز بدرستی میدانید، موضوع تولید و اشتغال و به خصوص با رهیافت اقتصاد مقاومتی و پیش فرض هائی که در بند [1] انتهای این مرقومه آمده است، از طریق اعمال مو بمو قانون و مقررات که در این مورد از قاعده جریان تقارن خارج است، مقدور نبوده و بسیاری از زمان ها و فرصت ها گرانها در بورکراسی اداری دولت هدر میرود و بهینه سازی بموقع به زمان بحرانی تبدیل خواهد شد.

بر حسب تعاریف منتشره از تفکر، نظر و عمل، معنی "القاء" عبارتست از هر عامل، برنامه یا کلام یا حرکتی که انسان را تحت تاثیر قرار میدهد و برای پاسخ گوئی اثر بخش و ایفای نقش اثرگذاری که به کنش ها و قدرت نفوذ القائات یعنی عکس العمل مثبت یا منفی که به وقوع می پیوندد، کارکرد های لازم خودش را الزام میکند و این موضوع دارای سابقه تاریخی در تمام کشورها، اقوام، انقلاب ها و خیزش های مختلف داشته که برخی از مدارک آن در بند [2] آمده است همانطور که در هشت سال دفاع مقدس شاهد و همراه با آن بودیم، القاء بر حسب قدرت نفوذ، قابلیت های تاثیر گذار، حجم و چگالی نیروی القاء کننده، و فراوانی نیروی تاثیر پذیر، و صدها عامل دیگر کنش های اجتماعی را در پی داشته که نمی توان با دیده اغماض از این جریان ها گذشت، نشانه شناسی این کنش ها در هر پروژه و یا طرح مکان محور مورد نظر حکومت، توسط خبرگان و مجربان پویا و میان رشته ای قابل تشخیص و تبیین است و صرفاً با تئوری اقتصادی و علوم انسانی مغایر با اقتضائات فرهنگی جامعه ما قابل شناسائی و تشخیص نبوده و تبدیل آن به راه حل های اساسی نوع القائی غیر ممکن است و بی اعتنائی به راه های اساسی در راستای مقتضایات زمان، مسیر هائی برای رانت خواهی، دلالی های غیر ضرور، فشارهای اجتماعی و غیره بر ضد دولت و نظام میگذشاید که آنها نیز نوعی اسفل از القائات در مقایسه با الهامات الهی برای انسان احسن تقویم است.

پیشگامان توسعه و مدرن سازان جامعه که تجارب بسیار شایسته ای از خود به یادگار گذاشته اند توصیه های چاره سازی را به آیندگان ارائه داده اند، آنان نه اینکه با پدیده القائات راستین والهامات الهی و عرف و فرهنگ جامعه مبارزه نکردند ، بلکه جمهور کسانی را که مدعی رفع بحران ها بوده و اظهار آمادگی برای سازندگی کشور (البته با مدل ها و شیوه های عقلانی و کارآفرینانه خود) دارند را از حوزه در اختیار فراری نداده و آنان را جذب کردند ، این سیاست بمعنی اجازه مشارکت دادن به همه احاد ملت ، با هر چه در اختیار آنان است ، میباشد ، لطفآبه آدرس های مندرج در این مورد به بند [2] مراجعه شود .

تعریف **تقارن** یا **همامونی** به معنای تشابه عملیات ، بخش و سازمانها ، تفکر و جنبش ها و یا هرگونه اقدام که حول محور قانون و مقررات ، آئین نامه مکرر و متکثر و انضباط های مورد نظر دولت و یا مسئولین مربوطه و یا تبعیت صددرصد از مرکزیت تقارن قانون گذار است و این جهت گیری بطور نسبی در شرایط فعلی کشور ناکافی است.

هر موضوعی آن هنگام میل به تقارن دارد، چنانچه با قواعد شکست کار و یا پروژه ، شکست بحران و پیچیدگی طرح ها و یا جابجائی های لازم ، جایگزینی های عقلانی کردن انجام طرح نظیر افزایش ارزش افزوده ، بهینگی ، عدالت توزیعی و تراضی طرفین و سایر قواعد مدرنی که در قواعد دانش مفید موجود است، بکار گرفته شود و از بازتاب های رضایت بخش ، تجانس هائی با قابلیت و اولویت های تقنینی بر اساس قانون اساسی و اصل شکل پذیری تقارن برخوردار گردد [3]. این موارد در کلاستر فعالیت های زنجیره به تفصیل آمده است

اینجانب ضمن تصدی مدیریت های سنگین و استراتژیک به عنوان استاندار ، معاونین و مشاورین وزراء ، رئیس کل گمرک جمهوری اسلامی ایران ، رئیس سرمایه گذاری بانک مسکن و سایر موارد مندرج در رزومه پیوست ، در زمان وزارت جناب آقای دکتر جهرمی مشاور ایشان بوده و در امور کارآفرینی ، تنظیم آئین نامه های تشکیل شرکت های مادر ، عامل چهارم در بخش خصوصی ، زنجیره تولید و عرضه ، خوشه های کشاورزی و صنعتی که هم زمان در دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران نیز تدریس می کردم ، به ایشان خدمات مشاوره داده ام

دانش و مهارت های لازم با این طرح و سایر طرح هائی که در سایت www.elmemofid.com تخصصی اینجانب آمده است تحت عنوان علم یا دانش مفید درج شده و خلاصه آن در رزومه پیوست تقدیم است ، اینجانب تکلیف خود میدانم در شرایط فعلی کشور در طرح های آمایش سرزمین ، طرح های کشت و صنعت ، انتقال تکنولوژی درون زا و بیرون زا ، توسعه روستائی و زیست بوم بر حسب دانش و مهارت های مکتسبه و تجربه شده خدمت نمایم ، بدیهی تفصیل چگونگی این همکاری مستلزم یک نشست لازم و هماهنگی آن میباشد .

با احترام و تشکر : محمود صانعی پور

مورخ 1396/7/22

مدارک یا توضیحات:

1. دلایل مفروضات در نفوذ القاء به عامل مسئول :

- 1.1. قواعد و تجارب بشری در شرایط بحران و القائنات عقلانی و موثر سازندگی از نوع انقلابی عمل کردن و آتش به اختیار متناسب با اقدامات اقتضائی بطریق عامل چهارم (عامل مدیریتی جامع) ممکن است
- 1.2. قانون و مقررات کمبود های فراوان در لایه های الزامی توسعه پایدار و اقتصاد مقاومتی و کارکردهای ویژه آبادانی روستا ها ، دهستان ، توسعه شهری و مکان محور دارد و دارای دکتزین و استراتژی های لازم برای توسعه پایدار نیست.
- 1.3. تعریف عامل چهارم مربوط میشود به خبره میان رشته ای که بر اساس اقدام استراتژیک و قابلیت های تطبیق کننده و انتخاب جایگزین های لازم درخیزشهای لازم و ریسک آور و با اقتضائات اقتصاد مقاومتی تطبیق کند و اجزای فنی و مدیریتی آن نیازی به تضارب افکار و چانه زنی با مرئوسین و مداخله کنندگان فضولی ندارد ، بلکه باید از طریق ایجاد میادین عمل و سکوهای اجرائی آنها ظهور و بروز کند و برخی آمرانه است و با تنظیم کارگروه های تخصصی نقش آفرینی میکنند.
- 1.4. بدیهی است که قانون اساسی بر اساس آرمانهای بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران و ملتی بپا خواسته در انقلاب جمهوری اسلامی ایران تدوین شده و قوانین و مقررات در انطباق و تقارن و محوری با این سند مادر (بخصوص در اصل 2 تا 44 که عمدتاً مغفول مانده است) از طریق مجاهدت ها ، جهاد گریهای ، مبارزات بی امان در تقابل با دشمن و هزاران اقدام صادقانه ، رهیافت هائی را برای سازندگی بموقع قرار گرفته و عمل بر حرف و جاهت یافته ، لیکن این وجهه و حیثیت عملی و جهاد گرایانه، در بستر آموزش های تئوریک و منسوخ شده غربی ، مقاله نویسی و امتیاز آفرینی مادی گرایانه و یا با تضارب افکار و نفوذ کلام و القائنات غیر منطقی و غیر اینها لوایح شده و در قوه مقننه تدوین و در مراحل لازم به تصویب رسیده است ، بنابراین ، قانون و مقررات موضوعه و تبعات آن ، اصول و فروعی هستند که در سیر و جریان توسعه کشور و با تدبیر و تفکر و بر اساس مقتضیات مکانی و زمانی و نظریه های منبعث از احکام قرآن و شیوه عقلی و نقلی و اجماع خبرگان ، مرتباً تدوین شده و بایگانی شده و موارد گذشته و متضاد با این رهیافت های مدون و پیشرفته مورد نیاز زمان حاضر ، دچار نسخ شده است.
- 1.5. تقسیم اداره کشور (به غیر از احکام حکومتی متعلق به ولایت فقیه و فرماندهی کل قوا) به دوبرخش دولتی و خصوصی مستلزم انکشاف جزء به جزء عملیات در توسعه پایدار کشور از طریق بررسی دقیق اقدامات موثر و نتیج حاصله در میادین عمل و رجوع به کنکاش های عقلی و احکام اسلامی و غیر اینها و تفکیک این دو بخش بلحاظ تکالیف ذاتی ، کفائی ، سیاسی ، مذهبی ، داخلی و خارجی ، تجاری ، بانکداری، زیرساخت های فیزیکی و نرم ، سرمایه گذاری و صد ها مورد دیگر ، بر اساس ارزیابی انطباق و مدل های انجام شده در کسب و کار های مورد نیاز توسعه همه جانبه ، مشخص و مدون میشود ، چنین پدیده ای از طبیعت ، فطرت ، خواستگاه ، بصیرت و عموم حیثیت شایسته رهبری -

پیروان در یک جامعه مردم سالاری ، یک الگوی برجسته جهانی و قابل صدور به ماوراء بحار و قابلیت تبدیل به رشته های تحصیلی در مراکز اکادمیک کشور است .

1.6 ابزارهای مدیریتی ، فقط عامل هائی نیست که از غرب وارد دانشگاه های ما شده و دایر مدار مدیریت دولتی و حکمرانی شده اند بلکه از آنجا که ما با عُرف خاص جوامع واقوام و زبان های ژنتیکی و مبتنی بر الهامات الهی و القائنات شیطانی در مسیر تصادمات و پدیده های اجتماعی هستیم و بسیاری از عوامل همگرایی از همین تعاملات روحی و تجربیات منتج از آن ها بروز میکند ، لذا غفلت کردن از این ظرفیت های اجتماعی که زمینه ساز توسعه پایدار است ، نوعی سردرگمی تلقی شده و در تله القائنات کسانی قرار می گیریم که تنها به سود حداکثری خود و اصالت دادن به لذایذ دنیوی اهتمام دارند و از بقیه مردم که با طبیعت صادقانه خود، خواسته های حقیقی خود را عرضه میکنند ، غافل خواهیم شد (www.elmemofid.com).

1.7 عرف اجتماعی برای اهل خرد شناخته شده است و گریز از تعاملات پیچیده و محورهای چلیپائی و متقاطع و ناشناخته آنها ممکن نبوده و عوامل موثری برای مشغول کردن دولت به کاغذ بازی ، مقررات سازی ، توصیه دادن ، سخنرانی و امید دادن ها گرفتار میکند ، باید این "فلک چلیپائی را سقف بشکافیم و طرحی نو دراندازیم" (البته با شیوه ها و مدل های مبتنی بر علیت تراکمی) که اگر این طرح نو(البته انقلابی و تغییر دهنده) بر پا نشود القائنات شیطانی بر خواستگاه حقیقی مردم استیلاء یافته و مسیرهای جدیدی را بر این تله های متقاطع می افزاید ، چرا که این عرف و طبیعت مردم است و از زبان ژنتیکی بهتر تبعیت می کنند تا بورکراسی دولتی و بهمین دلیل ، یادآوری می کنم ، به استادی خاص نیاز دارد ، صبر و حوصله لازم دارد ، به خیره مجرب و محققین راستین احتیاج دارد .

2. مدارک و آدرس های این نوشته

- 2.1 [search for Unsystematic training in Wikipedia](#)
- 2.2 شیوه های ارتباط کلامی از دیدگاه قرآن (kayhan.ir/fa/news/30125)
- 2.3 ابزار های شناخت انسان از محیط خویش (tahoor.com/fa/article/view/2909)
- 2.4 (www.tabatabaey.com/shownews.php?idnews=35) امدادهای الهی و زمینه های توسعه پایدار.
- 2.5 (www.iaujournals.ir/article_511468_110267.html) الهامات الهی از دیدگاه ملا صدرا.
- 2.6 [What are inductive duties in management? Wikipedia](#) ؟
- 2.7 [علامه محمدحسین طباطبائی؛ زبان قرآن؛ معناشناسی؛ عرف عام؛ عرف خاص](#)
- 2.8 <https://www.llas.ac.uk/projects/2892>
- 2.9 <https://www.european-agency.org/>
- 2.10 <https://link.springer.com/article/10.1007/s11125-011-9199-1>
- 2.11 www.sciencedirect.com/science/article/pii/S0360131515000706

2.12 Assistant Professor of Economics Department, Faculty of Economics, Tehran University, Tehran, Iran; Corresponding Author (g_abdoli@yahoo.com)

2.13 whatis.techtarget.com > ... > Business intelligence - business analytics

2.14 <https://www.livescience.com> > Culture

2.15 examples.yourdictionary.com > ... > Examples > Examples of Inductive Reasoning

2.16 <https://www.socialresearchmethods.net/kb/dedind.php>

2.17 www.iep.utm.edu/ded-ind/

2.18 study.com/academy/lesson/inductive-and-deductive-reasoning.html

2.19 <https://www.thebalance.com> > Your Career > Job Searching > Skills & Keywords

2.20 changingminds.org > Disciplines > Argument > Types of Reasoning

2.21 arikhirani.ir/Modules/News/.../News.PrintVersion.Html.php?

3. اقدامات لازم برای نیل به اهداف برنامه از طریق همگرایی متقارن

- 3.1 لزوم بکارگیری قواعد ارزیابی انطباق وزدون ناخالصی ها و مداخله گری های عدیده
- 3.2 خالهای قانونی ومقررات در این حرکت وجریان ، بطور طبیعی ، به جریان تطبیقی وتقریب الافق شدن اقدامات انقلابی وجهادی با مصوبات مجمع تشخیص مصلحت نظام وقوه مقننه منجرخواهد شد
- 3.3 انتخاب یا آموزش وتوجیه خبرگان میان رشته برای ایفای نقش در جریان توسعه واقتصاد مقاومتی
- 3.4 ایجاد فضای مثبت اندیشی از طریق اشتغال زائی تضمینی ، افزایش تعلقات سودآور در زنجیره تامین وعرضه ، آموزش های بموقع ومعکوس، سهامدار نمودن حقیقی ذی نفعان ، در ارزش افزوده ومحصولات نهائی ، ارائه اطلاعات صادقانه ، ویاری خواستن واقعی وروشن از مردم در طرح ها وپروژه ها وبویژه از طریق عامل چهارم ، پاسخ گوئی از طریق مراکز عامل چهارم ، وبسیاری اقدام موثر دیگر ، انگیزه های لازم را برای مشارکت مردم فراهم میکنند.
- 3.5 شروع کار در هر سکوی عملی تعریف شده وبوسیله عامل چهارم ، بدون سیستم است وبا آموزش ، طرحریزی ، برنامه ریزی ، وصدها اقدام نظری وعملی لازم ، ساختار وسیستم مرتبط باآن تدریجاً ایجاد شده وسیستم های اجتماعی بوجود میاید وقانون مند میشود ، تعیین تکالیف- حقوق ، واقدامات موثر در راستای اهداف نظام شناخته شده وداده های مشخص گردیده ومخازن داده ها ومدل های پردازش آنها مبرهن میشود وما را برای تجزیه وتحلیل های حقیقی وتاثیر گذارمهبیا کرده وبه مرکز تقارن نظامند راهنمائی میکند بدیهی است اهتمام به کارگروهی ، ایجاد کار گروه

های تخصصی ، نگاه سیستمی به کلیت طرح از طریق مدل سازی های لازم ، قصد و منظور نهائی دولت را ایفاء خواهد کرد .

3.6 آنچه اینک ما انجام میدهیم ، با آنچه که باید انجام بدهیم فاصله از ثری تا ثریا است ، آنچه دانشگاه ها ، بانکها ، بیمه ها ، و... انجام میدهند ، با آنچه که باید انجام بدهند ، مغایریت زیادی وجود دارد ، بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران ، قائد اعظم حضرت امام خمینی (قدس سره الشریف) میدانست و آگاه بود چه معجونی را برای نجات بشریت و زمینه ساز ظهور حضرت حجت(عجل الله تعالی فرجه الشریف) ارائه فرموده است و اطاعت از احکام ایشان و اقدام موبمو و تدریجی از وصیت نامه این قائد اعظم ، و توصیه های شاگرد آگاه، برومند و شجاع آن شخصیت ممتاز تاریخی ، حضرت آیت الله خامنه ای و رهبر معظم انقلاب اسلامی (دامت برکاته) که در اسناد فراموش شده موجود است و پیروی از قرآن مجید و فرمایشات نجات بخش ائمه معصومین (علیهم السلام اجمعین) و قاعد حق و حقیقت که گرد آمده است ، منابع ما را برای این طرح نوین مسیر نموده و اصلاح بحران زده دنیا حاضر باین نسخه شفا بخش نیازمند بوده و ایران سرفراز، بزرگترین تکلیفش و محور تقارن جهانش در اقدام انقلابی باین نسخه شفا بخش ، نه فقط برای خود ، بلکه برای ایجاد زمینه ها و بستر های مطمئنی برای ظهور ناجی (عج) و نشر قرآن و عمل بدان است و این عطایای الهی نصیب این کشور و این ملت شده است و منظور از ارتش بیست میلیونی و یا صد میلیونی که از اعداد مُکثره است نشان از کثرت قیام جهانی دارد و مشارکت همه مخلصین این کره خاکی که کم هم نیستند ، این بزرگترین فرصت جهانی ما است که گاهی غافل هستیم و پتانسیلی است عظیم و بالقوه و برای حرکت توفنده جمهوری اسلامی ایران از جانب آفریدگار جهان تنظیم و تنفیذ شده و روح میثاق و کلی این جغرافیای سیاسی کره زمین را در بر گرفته و مامور کرده است و خوشبختانه برای اهل بصیرت روشن و مبرهن است که اسباب و عوامل شتاب دهنده این طرح نوین و از اصل بداء الهی سرچشمه گرفته میگردد ، در این دنیای پر آشوب فراهم شده است و اگر نباشد دیوانگانی امثال ترامپ ، تجاوز های صهیونیست جهانی ، 70 درصد فقر مطلق و نسبی روی زمین ، و سازمان های شیطانی و غیرهم ، ما حرفی و دفاعی از آرمانها و مقاصد خود نداشتیم ، **الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ**

3.7 زبان قرآن مجید و به تبع آن زبان بیانگذار جمهوری اسلامی ایران ، زبان عُرفی است ، یعنی واژگان گویشی آن با زبان سیاست و مسئولین سیاسی متفاوت است و با گویش های مردم هم خوانی و هماهنگی ندارد ، مثل های در علم و فناوری و دُورس دانشگاهی فراوان وجود دارد که اشاره به آنها از حوصله این نوشته بیرون است ، در واقع می توان گفت که گاهی ما برای مردم غایب سخن میگوئیم ، عقاید ، ایمان و توکل و نظیر این واژگان که مرتب لقلقه زبان ماست با مواجه شدن با کارمندان و کارگزاران دولت خنثی میشود مثل فاصله دانشگاه با بازار کار است و یا افاده دانش آموخته در مواجه با سال خوردگان رنج کشیده و کهنه سربازان این دیار سرگرمی ایجاد کرده است ، ما به آموزش معکوس نیاز داریم که خبره مجرب می تواند در این مورد نقش آفرینی کند .

نامه های زیادی با سبک و سیاق به ریاست محترم جمهور ، و مجلس ، خبرگان رهبری ، ریاست محترم قضائی ، و مسئولین دیگر نوشته و ارسال کردم ولی نه خوانند و نه منعکس نمودند این تعجب

خودم را به دوستان فاضلم گفتم ، آنها گفتند ما نیز بارها و بارها نامه نوشتیم وقعی ننهادند ، فهمیدم تنها نیستم ، در خلوت محققانه خود تنها نیستم ، در غصه خوردم تنها نیستم در دفاع از دین و وطن تنها نیستم در تفکر وبا خدا حرف زدن تنها نیستم یار دارم

6. ما بیک یونسکوی اسلامی در جهان نیاز داریم

یونسکونیز از ترکش ما درامان نماید دومقاله بر علیه یونسکونوشتیم ، یکی تحت عنوان " ادبیات یونسکو با ادبیات جمهوری اسلامی فرق دارد " و " برنامه سال 2030 یونسکو یک داکترین ضد اسلام است(در سایت www.lememofid.com)

7. امریکا چرا از ایران هراس دارد و خواب خوش از چشمان او ربوده شده است

از شیعه میترسد ، از قیام امام مهدی ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف میترسد ، و برای کشتن حضرتش حاضر است 6 تریلیون دلار هزینه کند و برای پیدا کردن این ناجی عالم بشریت ، کره زمین را به آتش بکشد ، از خبرگان ونوآوران ، جهاد گران وشهادت طلبان ما میترسد ، ولی از خداوند متعال وجریان تکوین نمی ترسد همانطور مه فرعون نترسید و غرق شد (www.elmemofid.com) شعری از صانعی پور:

میرسد فریادی از دل سوزانِ بشر

نغمه ای دلسوز از ناجی ما،در سحر

آنکه نشنود این داد، از راه دور

بیگمان خواب است در هنگام سحر

It is arriving from the human, s inflaming heart

A sorrowfulness Song from our Savior at dawn

this burner from Long distance. Whonever hears

He is sleeping when in dawn undoubtedly

8. پروژه های منطقه ای و بین المللی کلاستر حلال جاده ابریشم

لیست پروژه های ملی ، منطقه ای و بین المللی برای توسعه پایدار ایران عنوان شده است

9. ما شاهد ساختار شکنی قهری سیستم های مسلط جهانی هستیم ، باید دنبال جایگزین باشیم

ساختار (Structure) به لحاظ کلی به یک الگو یا یک نظم یا سازماندهی اجزای مرتبط در یک شیء مادی یا یک سیستم گفته می‌شود که با خارج خود در تعامل و ارتباط است، ساختارها بصورت مکانیکی و یا ارگانیک هستند، ساختارهای مکانیکی از ثبوت، مستحکم و غیر منعطف هستند و ساختارهای ارگانیک که تعامل بیشتری با محیط متغییر دارند، دارای انعطاف، انطباق پذیری با اهداف صاحب سیستم داشته و طوری طراحی میشوند که تحت نفوذ و فرماندهی او باشند، میزان خود کنترلی در سیستم های ارگانیک که خواسته های صاحب سلطه را ارضاء نکند، به تدریج به ساختار مکانیکی برای مبادله اطلاعات مغرضانه و اجرای دستورات نظام سلطه تبدیل میشود و مردم دنیا دچار این معضل ناخواسته شده اند! ساختارهای ارگانیکی و مکانیکی کشورهای جهان در اختیار مسئولین نیست و بر آنها تسلط مدیریتی ندارند و این بمعنی رهاشدگی است.

سیر جریان فوق از قرن هیجدهم آغاز گردید (به مقاله این مولف تحت عنوان تضاد و شکاف در نظام سرمایه غرب مراجعه شود) و باعث گردید که قلم های حقیقت خواهان و مدعیان عدالت اجتماعی، فعال شده و به شالوده شناسی (foundation-logy) این ساختار پرداخته و نهایتاً تصمیم به شالوده شکنی (de- foundation) و ساختار شکنی (Deconstruction) نظام سلطه بپردازند، بطور کلی اهداف شالوده شکنی نشان دادن تضاد های بنیادی فلسفه غرب (به مقالات من در این مراجعه شود) و تقابل منطقی با خواستگاه ظالمانه غرب بوده است، که امروز بصورت یک رویه جهان شمول درآمد و عنان غرب را از دستش ربوده است، ریشه عمیق و اصیل ساختار شکنی پاسخی دندان شکن به مدعیان حاکمیت های نظری عقلی در توانائی اداره جهان و رهبری بی چند و چون کشورها و درک قطعی و نهائی از ساخته ها و پرداخته های خودشان است که روزگار ابطال آنها فرارسیده است.

قرن بیستم را می توان قرن ساختار شکنان و شالوده برکنان نامید که سردمداران آن مارتین هایدگر (1889-1976 martin Heidegger)، ژاک دریدا (1930-2004 jack derrida)، "پیتر آیزنمن"، "فرانک گری"، "برنارد چومی"، "کوپ هیمل بلاو"، "رم کولهاس"، "دانیل لیبسیکیند" و دیگران بر صحت افکار ژاک دریدا و این آراء عدالت خواهی مهر تأیید زدند و به تدریج زمینه ها و فضاهای مناسبی برای توجه به زیست انسانی فراهم گردید، گرچه آراء فیلسوفان بدکردار (به مقاله من تحت عنوان شرارت و شریب مراجعه شود- مولف) وضعیت اروپا و بطور غرب را به گرداب فساد کشاندند، ولی در حوزه های مختلف بحث شالوده زدائی فاسد غرب، یک جریان جدی گرفت و این جریان در سراسر جهان توسط مردان و زنان وفادار و شهادت طلب، تعمیم یافت، و موجب تنویر افکار حاشیه نشینان، محرومان و فقیران جهان گردید و مرکز دار جهان که فرمان میراند، دستخوش پاشیدگی شد و این در حالی بود که خیلی ها در خواب بودند و هنوز هم در خواب به سر میبردند.

آنچه ما از یافته های دریدا و هم فکران او در قرن بیستم درک میکنیم، اینست که کلیه ساختارهایی که غرب پازل بندی کرده و چینش نموده و به سیستم های موقوم تبدیل کرده است، بلاخره بایستی از هم پاشیده

شود ، وحاکی از یک تقابل جهانی علیه سرمایه داری ظالمانه است ، که از یک سوی سیستم های قدیمی را سلب میکند واز سوئی دیگر ایجاب نموده ویا مترصد ایجاد است وعده ای بی خبر از همه چیز به سرگرمی مشغول شدند وهستند ،اینک این آشوب های غیرمترقبه ، انقلاب های پی درپی وحوادث های مختلف را دارند تجربه میکنند ، فکر میکنند که امور جهان تصادفی است ، هنوز در فکر جمع کردن مقالات ، ضبط وربط درژونال های ینگه دنیا بوده ویا دنبال توسعه ایده ها وساختار فروافتاده سرمایه دارای غرب هستند، آخر خواب بودن هم اندازه ای دارد؟!.

10.نمونه هایی از جریانات تکوینی در تصمیم گیری ها

سیستم های تکوینی در جریان تکوین ایجاد میشود واین سیستم ها جهانی هستند که بر اساس تکوین ماندگاری دارند ولاغیر وبر مقضیات هر زمان ومکان نیازمند نوسازی وابداعات نوین از سوی نوآوران میباشد واز سوئی دیگر هرگونه ابداع ونوآوری در سیستم های اجتماعی اعم از اقتصادی ، سیاسی وغیره منوط به درک حقیقی درامور تکوینی است وگرنه سیستم های ناکارآمد ناپایداری خواهند داشت،یک شیوه کار دراین مورد که در ردیف 44 جدول تکوین این مولف آمده است تحت عنوان " سیستم های تکوینی " نام دارد که با مخفف حروف اول واژگان کلیدی آن (Acronyms) تشریح واژگان تکوین(Genesis) ، نظام(Systems)، توسعه(Developing) ،خلاقیت(Creating) ، اخطارهای سیستم (System alarming) ،پایداری اقتصاد (Sustainable economy) است،بدیهی است در ردیف های دیگر این جدول تا 300 قاعده ، در این مورد بحث های مفصلی انجام شده است، هم چنین آموزش سیستم های تکوینی دراین مورد واجب والزامی است، تحقیقات من نشان میدهد استفاده از این مدل ها طی مقالاتی با رکورد بالغ بر 110 میلیون در جهان ، جهان شمول بوده و سیستم های اخطار دهنده قبل از وقوع حادثه مبتنی بر علم وفناوری وقواعد دانش مفید وقوام بخشی کل سیستم های ایجاد شده ودر حال حاضر نیازمند اصلاح بر اساس جریانات تغییر آفرین تکوینی خواهد بود .

Examples of formative processes in decision-making

The genesis systems create at current genesis and these systems are based on the development of a lasting global and no other and according of anytime, anywhere are in need of innovation and modernization and on the other hand, any invention and innovation about social systems needs understanding of genesis affaires and otherwise it will be unstable many not functional systems, in this regarding has come in row 44 about the table of genesis of this author as “genesis system “that by acronyms has explained with genesis ,s key words for creation any system based on the rules of developing , innovation, sustainable economy and system alarming according useful knowledge rules until 300 instances and be achieved many discussions about this matter , also it is obligatory training of genesis systems in

academia, my research shows there are more than 110 million records in this subject in the world .

| | | | | | | |
|---|--|---|--|---|--|-----------|
| Training of genesis systems are necessity in 21 century | Genesis systems created in current genesis | GSDCASE= Genesis+ Systems+ Developing + Creating+ System alarming + Sustainable +economy | Any innovation and innovation depends on understanding the genesis systems and | the Systems in world have durability according to genesis and no other and if not effective | Genesis Systems , Developing , Creating, System alarming , Sustainable economy | raw 44 |
|---|--|---|--|---|--|-----------|

نمونه دیگری که در مورد اقتصاد تکوینی نوشته شده است برابر جدول زیر ردیف 46 تنظیم گردیده است و در هر مورد از این علیت تراکمی که موجب پیدایش وایجاب آن میشود ، در این جدول وجدول ابداعات و غیره بطور جداگانه بحث موسعی انجام شده است

The other sample that is has written about genesis economy as follow in below table raw 46 based on accumulative causity that we create it, in this table and table of innovations in this broad debate is conducted separately, etc.

| | | | | | | |
|---|--|--|--|---|--|-----------|
| Training economic systems are necessity about this matter | Developmental nature-based economy, Pious, religious duty ,genesis , Strength and reason common endeavor economy are | GESCCPS= Genetically+ economy+ Symmetry+ Computational+ Complexity+ Polynomial systems | In view of innovation requiring create synergetic system in economy and the knowledge based companies should get mastery on economic systems | Developmental economics is based on the provisions of the formative and religious in harmonious and convergent It is imperative sentences | Genesis economy, Symmetry, Computational, Complexity, polynomial | raw 46 |
|---|--|--|--|---|--|-----------|

موضوع فوق بالغ بر 50 میلیون رکورد در جهان ، مورد تاکید دانشمندان جهان از واجبات کفائیه برای آموزش آن برای متخصصین مربوطه در جهت سواد آموزی در قرن 21 و ایجاد سیستم های لازم آن .

About relates above subject there are more than 50 million records in the world and it is emphasis from world's scientists and also it is obligations in order of acceptable if performed only on an equivalent basis as prescribed no matter by whose hand it is performed, through literacy in the 21st century and creating of its necessity systems.

از نکات حائز اهمیت در این مورد ، مقوم کردن نظام های حکمرانی عدالت محور در اهداف توسعه پایدار عدالت ، به عنوان یک سلسله زیر نظام های به روش ترکیبی لز مادیات ومعنویات است، قرآن بما یاد داده است ، بقره آیه 201 که مرتب از خداوند متعال بخواهیم " رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ " یعنی :پروردگارا ! به ما در دنیا نیکی و در آخرت هم نیکی عطا کن، و ما را از عذاب آتش نگاه دار و این گونه سلطه بمعنی نفوذ در قلوب مردم است که نتیجه آن در اعتماد مردم به دولت ، دفاع از وطن و ناموس ودین در مقابل دشمنان است و نتیجه مطلوب آن رفع فقر و تقریب دهک های درآمدی با ضریب جینی 25 در صد و نسبت 6 بر 1 در دریافت درآمد ها است ، نقدینگی براین اساس توزیع میشود و محور توجه در سبد معیشتی مناسب اقبال موثر جامعه است که سنگینی تولید و توسعه پایدار را بر دوش میکشند ، این ملت چنان حامی نظام میشوند که بد خواهی نمی تواند بدون ارائه راه حل منطقی ، فقط نقادی کند ، این قدرت است ، قدرت تکوینی است ، روابط از القائی خارج شده و به روابط متقارن بین دولت و ملت ، بر حسب قاعده حقوق متقابل سیستم گذاری میشود.

این چنین تکوینی که فطری و طبیعتی است، توسط سلطه گران خارجی ، هژمونی ارز های خارجی و هر استیلائی دیگر ، حذف شدنی نیست ، هر کس بخواهد به تکوین و قوانین طبیعی آن حمله کند خودش نابود میشود ، چون قدرت پشتیبان فقط نفت ، گاز و منابع مادی نیست ، یا بعضی مصلحت های زمانه و دفع وقت نمی باشد ، آنقدر که بانک های ربوی کشوری را نابود کرده اند ، دلال ها قادر نیستند این تخریب را انجام دهند ، دلال ها از همین سازمان ها غیر معدلت ، یک شبه میلیونر میشوند ، و شبکه های مغرض راه هائی یاد میگیرند که ب مردم القاء کنند چگونه می توانند یک نفر را در مدت کوتاه میلیونر کنند و میلیونر و میلیاردر شدن ، یک امر مطلوب اجتماعی میشود و فخر و حیثیت ایجاد میکند و جهاد گری ، شهادت طلبی ، بسیجی بودن و خیریه و نظایر تضعیف میشود و سرگرمی های لهو و لعب فزونی می یابد ، و استیلائی در مقابل سُنن الهیه بوجود میاید که همان تورم است ، از زلزله مهلک تراست ، دلارهای بدون پشتیبان سرنوشت مردم را در دست میگیرد و کاسبی ها و معاملات دلاری راه میافتد ، نشانه قوانین حقیقی ، سنت های الهی و جریان تکوین با این نشانه فهم و درک میشود و قبل از چیز قلوب مردمی، درستی و نادرستی این طبیعت را درک میکنند .

من به صراحت عرض میکنم که خیزش های آینده جهان در گروهی جریان تکوین است و برای همین است که آینده نگری های مادی گرا ها و ژئوپلیتیکی و گراف های مبتنی بر آمارهای منتشره و روند یابی های انجام شده ، نتایج دقیق و موثری را بدست نمی دهد ، وقایع و حوادث غیر مترقبه ، تصمیم های عجیب و غریب سیاسیون و رهبران جهانی ، که امروز ها شاید و شنونده اخبار آن هستید ، ابر چالش های خاصی بوجود آورده است که حل آنها پیچیده و غیر ممکن ساخته است و موضوع تکوین (genesis) و جریانات مرتبط با آن از نگاه ادیان و کتب مقدس باب شده و هر روز به مقالات آن افزوده میشود و چون این نوع هرمنوتیک در دانشگاه ها مرسوم نبوده است ، فرضیه سازی بر اساس آنها مشکل شده و فرضیه های گذشته در اقتصاد و سیاست و غیره نیز تهی از این دقایق میباشد ، فقط بگیر بگیر ، بزن و بزن ، زورگوئی و فشار های گوناگون در بلند گو ها و رسانه ها سات ، قدرت ها بجای مصالحه ، دندان ها ، شمشیر ها و قدرت های نظامی و استیلائی خود را به رخ هم میکشند و این را برگ برنده خود بحساب می آورند که در مقایسه با قدرت تکوین صفر است .

باز تکرار می‌کنم موضوع اقتصاد مقاومتی ، انقلابی عمل کردن ، جهادی رفتار کردن و از خود جوشش نشان دادن و از جان و مال خود هزینه کردن که دواى هر دردی نظیر تورم ، اسراف ، تنبلی و سستی و از قبیل است ، یک بحث یقینی است که دارد با سرعت در ادبیات جهان نفوذ میکند ، اگر آنها جلو افتادند که خواهند افتاد ، بعد نگوئید چرا غفلت کردیم ، بحث های اعتقادی – یقینی و استاندارد های معنوی را من در مقالات زیادی از قول انیشتین جهان آورده ام (حتی به مسئولین نوشته ام) بخوانید تا باور کنید ، که اینها لقلقه زبان نیست ، فرضیه اقتصاد کلاسیک و نوکلاسیک نیست به فرضیه های پیشگامان توسعه نزدیک تر است و امری است به اقتضای شرایط و مقدمات هر کشور، ضمن این که از هر فرصت داخلی و خارجی سود میجوید ، چگالی درون گرانی و تقویت دورنی خود را از همین راه افزون میکند .

جنبشی در این جریان ایجاد شده است ولی گردهمائی های صاحبان خرد برای جمع بست های نهائی و مفید برای سیاست گذاری های اقتصادی – اجتماعی بسیار ناچیز است ، مرآده در این مورد کم است ، تلاش های فکری و تحریر ها و مستند سازی عموماً فردی و با بضاعت کم انجام میشود ، جمع بیداری هستند که دیگران را در خواب گران می بینند ، اعتقادات یقینی دارند که گاهی با تمسخر مبتلایان به درد های زمان و یا گریزان از عقل و منطق ، روبرو میشوند ، یعنی یک جنگی است نهائی بین خردمندی و جهالت ، چگالی آن بیش از هیاهوی متظاهران است و اینکه گمان کنید که عربده ها برنده هستند ، یک غفلت بزرگ است ، تئوری ها و راه حل ها و قواعد و قانون در نهان خانه مشخص و تدوین میشود ، پروژه های ملی ، منطقه ای و جهانی فردا در این فضاهاى بسته جمع بندی میشود و سایر کارهای انقلابی ، فکر نکنید که جهان وهستی آفرینش صاحب ندارد و امور هرکه هرکی است ! خیرصاحب مقدر ، بصیر و قاهر این هستی ، همه امور را زیر نظر دارد و بر اوضاع اشرف دارد تا روزی که بیدار باش زده شود. موفق باشید

ارادتمند صانعی پور

ساعت 10 شب 97/7/2